

مقدمه‌ای بر معرفی دارالفنون و اقدامات امیرکبیر به روایت منابع و اسناد تاریخی موجود در کتابخانه مجلس شورای اسلامی

سید محی‌الدین خلخالی^۱ - سعید تقدیری^۲

مقدمه:

پس از مرگ محمدشاه قاجار، برای روی کار آمدن فرزند ۱۶ ساله او ناصرالدین میرزا، جز درگیری‌های قابل اغماض، مخالفت‌های جدی صورت نگرفت و وی به شاهی انتخاب شد و این توفیق ناصرالدین شاه را باید مدیون هوشیاری دو نفر، یکی میرزا تقی خان امیر نظام و دیگری مادرش مهدعلیا که زنی با سیاست و از نظر شعور سیاسی از بسیاری از مدعیان سیاست در دربار بالاتر بود، دانست. ناصرالدین میرزا شش هفته بعد از مرگ پدر از تبریز خود را به تهران رسانید و بلافاصله در همان نیمه شب تاج بر سر گذاشت و میرزا تقی خان معلم و مربی و سرپرست افسران خود را به صدارت انتخاب کرد و خواهرش را به زنی به او داد. این وزیر مصمم بود نهادهای به راستی پوسیده حکومتی را سرو سامان بدهد. او مدیر لایقی بود. در کشور منشأ خدمات کم نظیری از جمله تأسیس مدرسه دارالفنون شد.

امیرکبیر:

«میرزاتقی خان» فرزند «کربلایی قربان» از مردم «هزاوه فراهان» یکی از محال «اراک» بود. کربلایی قربان در خانه «میرزاعیسی قائم مقام اول» به آشپزی اشتغال داشت. میرزاتقی خان در سال ۱۲۲۲ هجری

۱. کارشناسی ارشد رشته تاریخ ایران دوره اسلامی.

۲. مدرس دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرری.

مقدمه‌ای بر معرفی دارالفنون و اقدامات امیرکبیر... / سیدمحمی‌الدین خلخالی - سعید تقدیری

تولد یافت و پس از پدرش در دستگاه قائم‌مقام ثانی سمت پدر را حفظ کرد، میرزاتقی‌خان در ابتدای جوانی منشی و محرم اسرار «میرزا عیسی» ملقب به میرزا بزرگ پدر قائم‌مقام ثانی بود و بعد از فوت وی در خدمت پسرش درآمد و به همان شغل کتابت مشغول شد و تا سال ۱۲۴۴ هجری که قائم مقام او را به همراهی «خسرو میرزا» پسر ولیعهد به روسیه فرستاد، به منشی‌گری مشغول بود و پس از مراجعت از روسیه به لقب «مستوفی نظام» ملقب گردید. وی در اوایل سلطنت ناصرالدین شاه قاجار به مقام صدارت اعظمی نائل و به دامادی خاندان سلطنت مفتخر شد. یعنی شاهزاده خانم «عزت الدوله خواهر ناصرالدین شاه» را به زنی گرفت. تحولات بزرگی در زمان وی در تمام شئون سیاسی و اقتصادی و فرهنگی و نظامی و اجتماعی مملکت حاصل شد، از جمله سنگ بنای مدرسه «دارالفنون» در اوایل سال ۱۲۶۶ هجری به دست وی گذاشته شد. و در روز یکشنبه پنجم ربیع الاول سال ۱۲۶۸ هجری «سیزده روز پیش از قتل امیرکبیر یعنی در همان هنگامی که وی آخرین روزهای زندگانی خود را در باغ فین کاشان می‌گذراند» از طرف ناصرالدین شاه و رجال دولت گشایش یافت. اصلاحات بزرگ و مهمی که به دست این وزیر لایق شده بود، دشمنان سرسخت و با نفوذی در داخل و خارج برای وی فراهم کرد؛ تا جایی که نزد شاه جوان قاجار از وی به سعایت پرداختند. و باید دانست که بدگویی «مهدعلیا» مادر ناصرالدین در ایجاد سوء تفاهات حاصله بین شاه و وزیر تأثیر بسزایی داشته است، دشمن خارجی و سرسخت امیرکبیر انگلیس‌ها و متنفذترین آلت فعل سیاست انگلستان در دربار ناصرالدین شاه «مهدعلیا» و «میرزا آقا خان نوری اعتماد الدوله» بودند که رسماً تحت حمایت انگلستان بودند، و ورقه رسمی در دست داشتند، سرانجام امیرکبیر به تحریک و توطئه درباریان و در رأس آنها مهدعلیا مادر قدرتمند شاه، در روز پنجشنبه ۲۰ محرم همان سال ۱۲۶۸ هجری از مقام صدارت عظمی و روز سه‌شنبه ۲۵ محرم همان سال از سایر مشاغل عزل و به کاشان تبعید گردید و پس از چهل روز که در کاشان به حال تبعید به سر برد، در روز دوشنبه ۱۸ ربیع الاول سال ۱۲۶۸ هجری مطابق با ۱۹ دی ماه سال ۱۲۳۰ خورشیدی در ۶۴ سالگی و به دست «حاجی علی‌خان مراغه‌ای» اعتمادالسلطنه فراش‌باشی در حمام باغ فین کاشان به قتل رسید. (رضوی نژاد، ۱۳۷۷ صص ۱۹-۲۱) و ایران از وجود چنین مدیری محروم شد و به جایش میرزا آقاخان نوری تحت نظر و امر مهدعلیا به صدارت رسید.

اقدامات امیرکبیر و زمینه‌های اصلاحات در ایران:

در قرن هجدهم میلادی که در تاریخ مغرب زمین عصر روشنگری و بسط دانش و تجسس علمی بود، سرتاسر مشرق زمین را ناپسامانی، بی‌دانشی، جنگ و کشمکش فراگرفته بود. در این تناقض تاریخی، تصادم مغرب و مشرق با پیروزی و استیلای غرب و شکست و خواری شرق تمام گشت. اما در این میان، علت عقب‌ماندگی ایران علل مشخصی داشت: تغییر راه تجارت اروپا و آسیا، هرج و مرج سیاسی، جنگ‌های داخلی و خون‌ریزی‌های بی‌حد و حساب و بیدادگری‌های حکام، هر کدام در آن سهمی دارد. (آدمیت، همان، صص ۱۵۹) مخصوصاً استقرار ترکان در شبه جزیره آسیای صغیر عامل بسیار مهمی بود که چون دیواری بین ایران و دنیای غرب که بساط دانش و حکمت و فن جدید در آنجا گسترده بود، حائل گشت و در واقع

مجرای تنفس ایران را بست و میان ایران و جهان علم و هنرنو حائل شد.

تربیت یافتن امیر در خاندان قائم مقام، خدمت در دستگاه مترقی عباس میرزا، تماس مستقیم با جنبش اصلاح طلبی ایران، سیر و گشت روسیه، تجربه‌های تلخ ایران در تصادم با تعرض غرب، تنظیمات عثمانی و خواندن ترجمه کتاب‌های فرنگی و روزنامه‌های خارجی عواملی بودند که هر کدام به اندازه خود در پرورش اندیشه‌های میرزاتقی‌خان تأثیر بخشید. مجموع این عناصر شخصیت امیر را به عنوان برگزیده‌ترین نماینده مکتب اصلاح و ترقی ساخت.

امیر مصمم بود تا در سه عرصه دست به اصلاحات بزند: اول نوآوری در راه نشر فرهنگ و دانش و صنعت جدید. دوم: پاسداری از هویت ملی و استقلال سیاسی ایران در مقابله با تعرض غربی، سوم: اصلاحات سیاسی مملکتی و مبارزه با فساد اخلاقی (آدمیت، همان، ص ۱۵۷) آن چه در این میان به میرزا تقی خان برجستگی خاصی بخشید و مظهر تمام اقدامات و اصلاحات امیر است علاقه او به حفظ استقلال سیاسی ایران بود و در برخورد با استعمار سیاسی و اقتصادی اروپایی حب وطن و ترقی کشور را در دستور کار خود قرار داد. به نشر دانش و فنون جدید و اصلاح امور از این جهت همت گماشت که اولاً آن را درمان درد واماندگی و ناتوانی ایران در مقابله با قدرت مغرب زمینان تمیز داده بود و پی برده بود که بدون آن، ایرانی مقامی در جهان مترقی نو نخواهد یافت. ثانیاً موجب آگاهی و دانایی و بینایی عامه مردم خواهد گشت. (آدمیت، همان، ص ۱۹۰) واتسون می‌گوید: «میرزاتقی‌خان که برای تجدید حیات ایران برخاست یگانه مردی بود که کاردانی و وطن پرستی و اخلاق استوار همه در شخصیت او جمع آمده بود و می‌توانست رهبری کشتی دولت را به عهده گیرد، از میان صخره‌ها و خطرها که بر سر راه داشت بگذراند و سلامت به مقصد برساند.» (آدمیت، همان، ص ۲۰۷) سه جنبه مهم که در شیوه حکومتیش مد نظر داشت، عبارت بود از: ۱- قانون و عدالت ۲- رضایت و خرسندی خاطر مردم ۳- تربیت ملت در راستای اطلاع رسانی، آگاهی دادن به مردم و پرورش دانائی و بینایی آنها در جهت اصلاحات عمومی مصمم گشت که تشکیلات اداری کشور را یکسره اصلاح کند. خرید و فروش حکومت ولایات را براندازد، طبقه دهقان را از ستمگری‌های گذشته آزاد نماید و اصول مالیاتی ایران را تغییر دهد. مالیه و خزانه مملکت را سر و سامان داد. از موجب و مستمری‌های گزاف شاهزادگان و درباریان و دیوانیان کاست. برای پادشاهی حقوق ثابت معین کرد، بر عایدات دولتی افزود و میان دخل و خرج دولت موازنه برقرار کرد.

در اصلاح نظام جدید: به تربیت صاحب منصبان جدید پرداخت، فوج‌های تازه درست کرد و حتی از ایلات و عشایر سرحدی، هنگ نظامی جدید ایجاد نمود. ساخلوهای دائمی مرزی برقرار ساخت، کارخانه‌های اسلحه سازی و توپ ریزی احداث کرد، لباس متحدالشکل نظامی برای سربازان و صاحب منصبان ترتیب داد، درجه نظامی را تحت قانون جدید مشخص گردانید، در تأسیس نیروی دریایی، کشتی‌های جنگی سفارش داد و برای کشتی‌های دولتی و بازرگانی بیرق مخصوص درست کرد. (پناهی سمنانی، ۱۳۷۶، ص ۱۸۷) توجه مخصوص به ارتش مبذول داشت به طوری که برای اولین بار در تاریخ ایران، حقوق افسران و افراد مرتباً پرداخت شد، برای آموزش افسران مدرسه نظام تأسیس کرد و عده‌ای از افسران سوئسی و

مقدمه‌ای بر معرفی دارالفنون و اقدامات امیرکبیر... / سیدمحمی‌الدین خلخالی - سعید تقدیری

مجارستانی و ایتالیایی را برای تعلیم افسران در این مدرسه استخدام کرد و فنون نظامی به صورت تئوری و عملی در این مدرسه تدریس می‌گردید و با افتتاح دارالفنون اولین دانشکده افسری ایران تأسیس گردید. (الگود، ۱۳۵۲، ص ۷۱۵)

در اصلاح اخلاق مدنی: رشوه خواری و دزدی و پیشکش دادن حکام و دیوانیان و سور و سات لشکریان را برانداخت، تملق گوئی و القاب و عناوین ناپسندیده اهل دولت و مدیحه سرایی شاعران را منسوخ نمود. هرزگی و لوطی بازی و قداره بندی و عربده کشیدن مستانه در کوی و برزن را از بین برد. خواست قمه زدن را براندازد اما کامیاب نگردید.

در اصلاح امور شهری: چاپارخانه و پست جدید راه انداخت، آبله کوبی را تعمیم داد. نخستین بیمارستان دولتی را بنا کرد برای حرفه پزشکی امتحان طبی مقرر ساخت. (آدمیت، همان، ص ۲۲۱) جزوه‌هایی در مبارزه با آبله و وبا میان مردم و ملایان منتشر کرد، یخچال‌ها را از آلودگی پاک کرد، به سنگفرش کردن کوچه‌ها پرداخت، در بیرون شهر تهران خانه‌های تازه ساخت، در همه شهرها قراولخانه تأسیس نمود و به مرمت بناهای تاریخی پرداخت. (پناهی سمنانی، همان، ص ۱۸۸)

کر و کور و گدای شهر را جمع آوری کرد، از شهر کرج آب به تهران جاری کرد و قانون برای تقسیم آب نوشت، چند حمام سنگ مرمر در تهران بنا نمود، دستور مرمت پل خواجه در اصفهان که رو به ویرانی بود را صادر نمود و جهت مرمت بنای تاریخی تخت جمشید و قصر گلستان دستورات لازم را صادر کرد. (کاشفی، ۱۳۷۶، ص ۱۶۹) امنیت راه‌ها نیز به منظور حمل مسافر و کالا بدون هیچ مزاحمت در کل کشور از اقدامات امیرکبیر بود. (آدمیت، همان، ص ۲۲۱)

در رواج صنعت جدید: امیر در ۱۲۶۷ ق به منظور ایجاد کارگاه‌های صنعتی، شش نفر کارگر فنی، برای مهارت در رشته‌های گوناگون به روسیه و دو نفر به کشور عثمانی فرستاد. این افراد که قرار بود با فنون تازه و شیوه‌های جدید به منظور کار بهتر و به دست آوردن محصول بیشتر آشنا شوند برای تحصیل صنعت کاغذ سازی، بلور سازی، چدن ریزی، تصفیه شکر، قند سازی، نجاری و اسباب چرخ سازی و شمع ریزی (شماعی) اعزام شدند و پس از بازگشت در ۱۲۷۰ ق کارخانه‌های بلورسازی، کاغذ سازی، شکر ریزی، چدن ریزی و نجاری در شهرهای اصفهان، تهران و ساری دایر نمودند. (نوایی، ۱۳۶۹، ص ۵۴۳) هدف امیر کبیر آن بود که این جماعت صنعتکار در بازگشت به ایران دست به ایجاد کارگاه‌های کوچک و بزرگ بزنند و جماعتی از ایرانیان را تعلیم دهند تا افراد با استعدادی که به رشته‌های صنعتی علاقه دارند به تدریج از معلم فرنگی بی نیاز شوند و خود دست به ابداع و ابتکار زنند، اثر این تعلیمات در افزایش تولیدات کشور و گسترش فعالیت بازرگانی بسیار بود. (آوری، ۱۳۷۳، ۱۲۶) فی‌المثل دو کارخانه شکر ریزی در ساری و بابل ایجاد شد که شکر مازندران را تصفیه می‌کرد و به صورت شکر سفید در می‌آورد و قسمتی از آن صادر می‌گردید. در رشته نساجی نیز سعی در افزایش کیفیت و کمیت به عمل آمد. یک کارخانه ریسمان سازی نیز درست شده بود و یک کارخانه چلوار بافی بیت تهران و شمیران و یک کارگاه حریربافی در کاشان تأسیس گردید. (آدمیت، ۱۳۴۸، ص ۳۹۲) در راستای همین گسترش فعالیت بازرگانی، بازار بزرگ تهران به دستور امیر ساخته شد.

به استخراج معادن دست زد، استاد معدن شناسی استخدام کرد، مجمع الصنایعی از مصنوعات ایرانی تأسیس کرد و محصولات ایران را به نمایشگاه بین‌المللی فرستاد، در توسعه کشاورزی چند سد بر روی رودخانه‌ها ساخت. زراعت بعضی محصولات جدید را معمول کرد. شیلات خزر را از دست اتباع روس گرفت و به ایرانیان سپرد. به آبادانی خوزستان توجه مخصوص کرد. (مکی، ۲۵۳۵، ص ۱۴۱) در پیشرفت تجارت از بازرگانی داخلی و خارجی ایران پشتیبانی جدی نمود. به میزان صادرات ایران افزود. با تدابیر امیر امور تجارت در داخل کشور و دول همجوار روسیه، ترکیه، عربستان، افغانستان، هندوستان، ازبکستان و ترکمن در کمال اطمینان بسط و رواج یافته و برای تجار پایتخت و تبریز زیباترین بازارها که در دنیا وجود دارد بنا نهاد سرایی که به نام خودش (تیمچه امیر) ساخته مناسب‌ترین و زیباترین بنای آسیا محسوب می‌شود. (واتسون، ۱۳۴۰، ص ۲۲۶)

در نشر دانش و فرهنگ نو: مدرسه دارالفنون را بنا کرد. معلمان و متخصصان اروپایی را استخدام کرد. به ترجمه کتاب‌های اروپایی در پاره‌ای از فنون جدید پرداخت چاپخانه‌های جدید را توسعه داد. روزنامه وقایع اتفاقیه را تأسیس نمود و هیأتی از مترجمان زبان‌های خارجی تشکیل داد و باب روزنامه‌های فرنگی را به ایران باز کرد. (محبوبی اردکانی، همان، صص ۲۵۱-۲۴۶) بنابراین امیرکبیر در ایجاد بنیان‌های اولیه فرهنگ جدید در ایران سهم و نقش عمده‌ای دارد و در بخش‌های بعدی مفصلاً راجع به آن بحث خواهیم کرد. در اصلاح دستگاه عدالت: دیوانخانه و دارالشرع را بر اصول تازه‌ای بنیان نهاد، امور عرفی و شرعی را از هم جدا ساخت. اقلیت‌های مذهبی، زرتشتی و مسیحی و یهودی را از اجحاف‌های شرعی رها کنید، آئین آزار و شکنجه را ممنوع کرد و حکومت قانون را استوار گردانید. (پناهی سمنانی، همان، ص ۱۱۸)

دارالفنون و زمینه‌های تأسیس آن

اندیشه تأسیس دارالفنون ساخته فکر و تصمیم صدر اعظم بزرگ ایران امیرکبیر است که نیاز به کسب تکنولوژی را درک و نتیجه ایجاد دارالفنون را ضروری و اجتناب‌ناپذیر تشخیص داد. (محبوبی اردکانی، ۱۳۵۴، ۱۵۱) امیر تا زمان رسیدن به صدارت به مأموریت سیاسی روسیه، ایروان و عثمانی اعزام شد که این سفرها در اقدام او در تأسیس دارالفنون کاملاً مؤثر بود. مأموریت او در سفر به روسیه (۱۲۴۶ ه.ق) که به همراه هیأتی به منظور عذرخواهی از قتل گریبایدوف - نماینده روسیه که برای مبادله پیمان ترکمانچای به ایران آمده بود - صورت گرفته بود. این هیأت که بیش از دو ماه در پترزبورگ اقامت داشت هر روز به دیدن یکی از مؤسسات علمی و صنعتی و آموزشی روسیه می‌رفت. (محبوبی اردکانی، ۱۳۵۰، صص ۱۷ - ۱۰) به دیدن مدرسه‌ای رفتند که اطفال مسلمین و گرجی را زبان ترکی و فارسی و روسی و نقاشی و سایر علوم متعارفه درس می‌دادند. او همچنین از مدارس لالان که لال و کر مادرزاد را کتابت و قرائت یاد می‌دادند، بازدید کرد در مسکو نیز از مدرسه علوم که در آن از طبایع اشیا و غرایب علوم تدریس می‌شد، مدارس عامه، مدارس خاصه، مدرسه دسته نجبا - دارای ۷۰۰ نفر شاگرد که در آن علم حساب و جغرافیا و حکمت طبیعی و موسیقی و زبان‌های اروپایی و دوخت و دوز می‌آموختند - بازدید کرد. (آدمیت، همان، صص ۱۶۷ - ۱۶۶،

مقدمه‌ای بر معرفی دارالفنون و اقدامات امیرکبیر... / سیدمحمی‌الدین خلخالی - سعید تقدیری

(۱۸۱-۱۸۰) چیزی که در این سفر ذهن امیر را متوجه خود کرد اصلاحات و پیشرفت‌های روسیه بود در جهان دانش و فن و هنر. از طرف دیگر شور پاک ایران دوستی میرزاتقی‌خان و شیفتگی او به اصلاح و ترقی و وطنش او را بیشتر به تکاپو وا داشت. در کتاب میرزاتقی‌خان امیرکبیر در خصوص علت ایجاد دارالفنون آمده است: «بدیهی است که فکر ایجاد و تأسیس دارالفنونی در ایران برای امیرکبیر پس از مسافرت به روسیه و دیدن مدارس فنی و صنعتی و نظامی آنجا پیش آمده...». (اقبال آشتیانی، ۱۳۵۵، ص ۱۵۶) میرزا مصطفی افشار از همراهان میرزا تقی‌خان و مترجم وی از زبان امیر می‌گوید: «عزت و افتخار نه آنست که کسی برای نفس خود تحصیل کمال کند، بلکه افتخار آن است که کمالات حاصله یک شخص فراخور اندازه و قدر خود، موجب نهضت دائمی ابنای جنس خود گردد. آن وقت اسم آن کمال را باقیات و صالحات توان گذاشت... و به آن فخر تمام نمود و بنای این مدارس در ممالک ایران به غایت سهل و آسان است. می‌توان از ارباب علوم فرنگ چند نفر را به ایران آورد و یکی از مدارس را برای اولاد نجبای آن ملک تعیین نمود و آن‌ها را در آنجا جمع کرد و چند نفر از مردمان صاحب اخلاق را به سرپرستی آنها تعیین نمود که هم علوم ایران را از مدرسین ایران یاد بگیرند و هم علوم فرنگ را از معلمین فرنگ... چه این کار به نفع مملکت است در کاری که متضمن نفع عامه باشد متحمل ضرر آن شدن شرعاً و عرفاً جایز و رواست. در این صورت برای دولت، چه از سپاهی و چه از اهل قلم، خدمتکارهای کامل و قابل به هم می‌رسند که به اوضاع عالم بر سبیل تفصیل، عالم و آگاه باشند. سپاهی را مانند سپاه سایر دولت‌ها نظم و ترتیب بدهد، امور ملکیه را چون سایر ممالک تنظیم دارند، از حسن تدبیر روز به روز بر رونق و آبادی مملکت می‌افزاید...» (آدمیت، همان، ص ۱۸۲) بنابراین امیر که ترتیبات زندگی و معارف جدید را به اجمال در مدت کوتاه خود در روسیه و مأموریت طولانی خویش در کشور عثمانی دیده و در جریان کارهای اداری، احتیاج ایران را به افراد کاردانی که از معارف جدید با اطلاع باشند دریافته بود، می‌دانست که مستشاران خارجی کاری برای ایران انجام نمی‌دهند و نباید خیلی به آنها امید داشت، محصلین اعزامی به خارج هم در فنونی که تحصیل کرده بودند، آنقدر مهارت نیافته بودند که همه احتیاجات ایران را مرتفع سازند. و عده آنها هم آنقدر نبود که در همه جا به کار آیند. بنابراین برای رفع نیازمندی‌های مملکت باید مرکزی برای تعلیم و تربیت جوانان ایرانی آماده ساخت که حتی الامکان پیشامدها و عوارض خارجی نتواند رشته تحصیل یا کار و خواست آنها را بگسلد. از این رو پس از آنکه آرامشی در ایران پدیدار شد به تأسیس دارالفنون همت گماشت و نخستین خبر آن در شماره ۲۹ وقایع اتفاقیه مورخ پنجشنبه ۲۳ شوال ۱۲۶۷ ق به این شرح انتشار یافت:

«پارسال امنای دولت علیه بنا گذاشتند که در میان ارگ سلطانی دارالخلافه طهران تعلیم خانه بسازند که علوم و صنایع در آنجا تعلیم و تعلم شود و از آن وقت هم مشغول ساختن این عمارت هستند و لکن هنوز تمام نشده است و چونکه کارش خیلی است، تمام کردنش طول دارد. در روز دوشنبه گذشته نواب شاهزاده بهرام میرزا به آنجا رفتند و رسیدگی به کار آنجا کردند و اهتمام نمودند که زود و خوب به انجام برسانند و به طوری محکم و مضبوط می‌سازند که بیشتر از اغلب بناهای این ولایت سال‌های سال آثار جلال این ایام فرخنده باقی خواهد ماند». (محبوبی اردکانی، ۱۳۵۴، ص ۲۵)

اول شخصی که از این کار نگرانی داشت شخصی ناصرالدین شاه بود. شاه جوان بیست ساله که در آغاز پادشاهی گرفتار مخالفت‌ها و تحریکات داخلی و خارجی شده بود، می‌ترسید که با تأسیس مدرسه جدید بهانه‌ای به دست صاحبان مدارس قدیم بیفتد و دست به تحریکات بزنند و شاید که مخالفان هم بر ترس شاه در این باره می‌افزودند. شاه نگرانی خود را ضمن نامه‌ای به امیر نوشت و او را از سرانجام ناخوشایند احتمالی این اقدام آگاهی داد، امیر در پاسخ نوشت پس از تأسیس مدرسه نخستین طبقه‌ای که به سود آن آگاه خواهند شد علما و خواص خواهند بود و آنانند که در مرتبه اول فرزندان خود را به این مدرسه جدید خواهند فرستاد و از این رو منفعت آن به این طبقه پیش از طبقات دیگر عاید می‌شود. (محبوبی اردکانی ۱۳۵۰، ص ۱۱) در حقیقت پیش بینی امیرکبیر درست و به مورد بود و پس از افتتاح مدرسه هیچ گونه مخالفتی از طرف مردم صورت نگرفت و به اندک مدتی عده داوطلب به حدی زیاد شد که برای پذیرفتن شاگرد در مدرسه شرایطی وضع کردند.

محیط طباطبایی در مورد انگیزه امیرکبیر در مورد ایجاد چنین مدرسه‌ای می‌نویسد: میرزاتقی‌خان امیر نظام که از ابتدای خدمت تا وصول به مقام صدارت آذربایجان شاهد و ناظر حوادث نامطلوبی بود که در اثر عدم کفایت فنی و نظامی کشور رخ داد از تکرار تجربه قائم‌مقام و حاجی میرزا آقاسی صرف نظر کرد و درصدد برآمد کانونی در داخل مملکت برای تربیت و تعلیم کسانی ایجاد کند که در دستگاه نظام کشور بایستی مسئولیت دفاع ایران را در برابر تجاوز و تهاجم اجنبی عهده دار باشند. (زعفرانلو، ۱۳۵۴، ص ۱۸۶) عامل مؤثر دیگری در ایجاد دارالفنون، ترجمه کتب و روزنامه‌های فرنگی بود. (مرجانی، همان، ص ۹۶) امیرکبیر در مدت اقامت خویش در ارزنه الروم، با وجود همه گرفتاری‌های سیاسی، دستور جمع آوری پاره‌ای از کتاب‌های اروپایی را داد و از مجموع این کتاب‌ها با نظارت وی کتاب بزرگی در دو جلد به نام «جهان‌نمای جدید» درباره اوضاع جغرافیایی و تاریخی و سیاسی و اقتصادی جهان پدید آمد. ترجمه این کتاب توسط «جان دود» مترجم امیر در سفارت ارزنه الروم و نگارش آن توسط «میرزا محمد حسین فراهانی منشی میرزا» انجام گرفت در این مورد فریدون آدمیت می‌نویسد: «... هر آینه میرزاتقی‌خان از سرچشمه دیگری کسب معرفت نکرده باشد و میزان اطلاعش را از اوضاع جهان محدود به همان کتاب فرض کنیم، باید گفت افق فکری او نسبت زمان خود روشن بوده است...» (آدمیت، همان، ص ۱۸۵) از دیگر عواملی که در شکل‌گیری دارالفنون مؤثر بود برخورد مستقیم میرزا تقی‌خان با جنبش «دوره تنظیمات» عثمانی است. اگر چه آنچه در سفر روسیه از دنیای جدید غربی آموخته بود و یا حتی به طور غیر مستقیم درباره آن کسب کرده بود بسیار با معنی‌تر و ارزنده‌تر از پیشرفت‌هایی بود که تازه در عثمانی در حال تکوین بود اما در سفارت چهار ساله خود به ارزنه‌الروم ناظر تحولات سیاسی و اجتماعی این کشور همسایه بود. باید دانست که تحول عصر تنظیمات از جهت دیگری در خاطر میرزاتقی‌خان اثر بخشید و آن این واقعیت است که عثمانی به عنوان کشور همسایه و رقیب ایران به راه ترقی جدید افتاده بود و این معنی به خودی خود برای ایران آموزنده و عبرت‌گیر بود و لذا مشاهده ترقی و پیشرفت‌های دوره تنظیمات عثمانی و مؤسسات آموزشی آن کشور از زمینه‌های پیدایش دارالفنون می‌باشد. (مرجانی، همان، صص ۹۷-۹۵) محیط طباطبایی در

خصوص انگیزه‌های تأسیس دارالفنون می‌نویسد: «اقدام دولت عثمانی به تأسیس دارالفنون اسلامبول هم آخرین مشوق و محرک او (امیر) در توجه بدین کار شده باشد». (زعفرانلو، همان، ص ۱۸۷)

دارالفنون در واقع، تقلیدی از دارالفنون عثمانی بود که امیرکبیر توجه خاصی را نسبت به اداره و پیشرفت کارهای آن در نظر داشته و اثرات آن را به خوبی در جامعه عثمانی و به هنگام حضور خود در آن کشور دریافته بود. به همین دلیل، این طرح را ضمن تدوین و تبیین، در ایران به مرحله اجرا درآورد. این اقدام که برخاسته از گفتمان نظری و کارکردی امیر و همچنین، برخی از ضروریات جامعه ایرانی آن زمان بود، تحولات ژرفی سیاسی، اجتماعی و علمی و فرهنگی را در کشور بر جای نهاد. اجرای طرح تأسیس مدرسه دارالفنون که بیش از سه سال به طول انجامید، شاید بزرگترین کار ویژه حکمرانی قاجاریه در ایران عصر امیرکبیر بود که خود موجبات پایه گذاری نظام آموزشی و دانشگاهی نوین را سبب گشت. و از این روست که از امیر به عنوان بنیانگذار آموزش عالی ایران یاد می‌گردد.

اهداف تأسیس دارالفنون:

نظر امیر در تأسیس دارالفنون، بیشتر داشتن مدرسه‌های فنی، نظامی، طبی و صنعتی بوده است البته ذهن امیر در درجه اول معطوف به دانش و فنون جدید و برای رفع حوائج کشور بود. این نکته از مطالعه تطبیقی برنامه درس‌های دارالفنون و نامه‌های امیر راجع به رشته تدریس استادانی که استخدام شده بودند روشن می‌گردد. امیر در نامه‌ای به شاه می‌نویسد: «در امر مدرسه دقت زیاد لازم است. آدم خیلی معقول متشخصی می‌خواهد که سرشته‌اش هر چیز فرنگی و ایرانی داشته باشد». (آدمیت، همان، ص ۱۹۰) مرحوم اقبال پیرامون هدف از تأسیس دارالفنون می‌نویسد: «منظور اساسی امیر آشنا ساختن مردم ایران به صنایع و حرف و فنون جدید اروپا و انتشار آنها در ایران بوده است». (اقبال، همان، ص ۱۵۷) علی‌الخصوص که تدریس ادبیات و حکمت و فلسفه شرق که قسمت اعظم آن بر مبنای لفظ و گفتار است در ایران سابقه طولانی داشته و مدارس قدیمه ایران دانشمندان بزرگی در این علوم تربیت کرده‌اند و می‌کردند و تأسیس مدرسه‌ای به این منظور تحصیل حاصل بود. (محبوبی اردکانی، ۱۳۵۴، ص ۲۵۶) در این خصوص خبری اعلامیه مانند در شماره ۴۳ روزنامه وقایع اتفاقیه مورخ پنجشنبه سوم ماه صفر ۱۲۶۸ به این شرح انتشار یافته است: «چنانچه در روزنامه سابقه نوشته شده است در میان ارگ دارالخلافه تهران عمارت بزرگ و جای خوب ساخته شده است به جهت تحصیل و تعلیم در علم هر فنی و اسم آن را در دارالفنون گذاشته‌اند و منظور اعلی حضرت پادشاهی این است که اطفال این دولت علیّه بعضی علوم را که در این دولت متداول نیست فرا گیرند و آموخته شوند. از آن جهت عالیجاه «موسیو جان داود» پارسال حسب الحکم همایون روانه دولت «آستریه» شده بود که چند نفر معلم که هر یک فن ماهر باشند به جهت مدرسه مزبوره بیاورد... گذشته از آن اطفال مزبور علم مهندسی و حرکت قشونی را یاد خواهند گرفت در علم طبابت و جراحی نیز درس خواهند خواند و در حقیقت این علم نعمت بزرگی است جهت خاص و عام زیرا که در ولایت ایران

در علم جراحی مانند سایر دول نیستند و تحصیل این علم بسیار به کار عموم خلق می‌آید...» (محبوبی اردکانی، ۱۳۵۴، صص ۲۵۶ - ۲۵۵)

شروع ساختمان و بنای دارالفنون:

کار بنای مدرسه از سال ۱۲۶۶ ه.ق و زیر نظر محمد تقی‌خان معمارباشی دولت و میرزا رضای مهندس باشی^۱ انجام گردید. نظارت بر کل ساختمان نیز بر عهده شاهزاده بهرام میرزا بود. با این وجود، به هنگام افتتاح مدرسه توسط ناصرالدین شاه در تاریخ پنجم صفر ۱۲۶۸ ه.ق (۲۸ ژانویه ۱۸۵۲ م)، بنای مدرسه به طور کامل به اتمام نرسیده بود اما بنابر گفته روزنامه وقایع اتفاقیه، دارالفنون که با «بنایی جدید مشتمل بر پنجاه حجره منقش مذهب وسیع بود» در سال ۱۲۶۹ به اتمام رسید. (وقایع اتفاقیه، نمره ۹۸، ۵ ربیع‌الاول ۱۲۶۹)

همچنین، در این زمان نسبت به ساخت آزمایشگاه بزرگی که برای تجزیه و ترکیب و اجرای آزمایش‌های شیمیایی اقدامات لازم به عمل آمد. مضافاً، در قسمت شمال شرقی مدرسه تالار بزرگی برای تئاتر در نظر گرفته شد که بعدها «مسیو لمر» معلم و «مزین الدوله» عهده‌دار اجرای موسیقی و نمایش در آن گردیدند.^۲ به علاوه، در قسمت عقب کلاس‌های درس کارگاه‌های شمع‌سازی، داروسازی و چاپخانه برای چاپ کتاب‌های درسی ساخته شد. در بخش داروسازی نیز داروهای مورد نیاز و مصرفی پزشکی و غیر پزشکی آن زمان مثل نمک فرنگی، سولفات دوزنگ، اکسید دوزنگ، سولفات رومی، استات و کربنات دوپتاسی تهیه می‌گردید.

به طور کلی، ساختمان دارالفنون از شکل مستطیل‌مانندی برخوردار بود و در وسط حیاط آن نیز گل‌کاری‌های رنگارنگ بر زیبایی‌های بنا می‌افزود. در مدرسه نزدیک به چهل باب اتاق مشرف به حیاط وجود داشت که چشم‌انداز جالبی را برای دانش‌پژوهان ایجاد می‌نمود. کلاس‌های درس نیز با نیمکت‌های چوبی جهت استفاده شاگردان آراسته شده بود. البته علاوه بر ذکر آبادی‌های این مدرسه، اسنادی درباره وضع نامطلوب دارالفنون نیز موجود است که مغرضانه یا خالصانه نوشته شده است.

یکی از این اسناد، سندی است از طرف انجمن محلی خیابان ناصرخسرو به مجلس شورای ملی:

به عرض می‌رساند وضع دبیرستان دارالفنون خیلی خراب و به حدی مورد شکایت است که حدی ندارد. هرچه هم شکایت شده نتیجه نداشته. در تمام محافل و اغلب جراید بی‌نظمی مدرسه و اخاذی و فساد اخلاقی (زهاری) مدیر ناصالح آن مدرسه ضرب‌المثل می‌باشند ولی ایادی و همدستان او در فرهنگ گوش به این حرف‌ها نمی‌دهند. متمنی است دستور مؤثر بری رسیدگی

و تغییر و تنبیه او صادر فرمایند تا این کانون قدیمی و مؤثر علم و ادب را نجات دهند. زهاری برای اینکه بتواند هر دردی و هر فسق و فجور در مدرسه دارالفنون مرتکب نشود از تشکیل انجمن خانه و مدرسه سر باز زده و برخلاف سال‌های قبل از او که تمام جزئیات کار مدرسه با نظر اولیای شاگردان صورت می‌گرفت به کلی مخالف انجمن بوده و با اولیای شاگردان قطع رابطه کرده است تا هرچه خواست انجام دهد.

از طرف انجمن محلی خیابان ناصر خسرو - مهدوی ۳۹/۷/۲۷

و جوابیه نامه:

از طرف وزارت فرهنگ به نیابت ریاست مجلس سنا (محرمانه)

نیابت ریاست محترم مجلس سنا

محترماً عطف به مرقومه ۲۵۹۵-۳۹/۸/۱۷ و یک برگ ضمیمه آن، چون آقای مهدوی عضو انجمن همکاری خانه و مدرسه دبیرستان دارالفنون نمی‌باشد و نشانی خود را نیز در نامه مزبور تعیین نکرده است، شناخته نشد و بنابراین خواهشمند است مقرر فرمایند در صورتی که نشانی مشارالیه در دفتر مجلس سنا معلوم است، به نامبرده اخطار نمایند که در اداره بازرسی وزارت فرهنگ حاضر شده و نسبت به شکایت خود با ارائه دلایل توضیحات بیشتری بدهند تا مورد رسیدگی قرار گیرد. -ت از طرف وزیر فرهنگ ۳۹/۲۶/آبان

نام‌گذاری دارالفنون:

نامی که در دستور استخدام معلمان برای مدرسه نو بنیاد ذکر شده «مکتبخانه پادشاهی» نظیر «مکتب سلطانی» اسلامبولی بود. ولی بعد از آن در مراسلات دیگر آن را «مدرسه نظامیه» خواندند در صورتی که روزنامه وقایع اتفاقیه ضمن نقل خبر تأسیس این مدرسه، آن را «تعلیم خانه» ای می‌نامد که علوم و صنایع در آنجا تعلیم و تعلم می‌شود. اما همین روزنامه یک هفته بعد از افتتاح مدرسه، ضمن اصلاح نام یکی از معلمان اتریشی، مدرسه را مرسوم به «دارالفنون» می‌نویسد در صورتی که مردم تهران همواره همان نام سنتی تعلیم‌خانه را به صورت «معلم خانه» به آن اطلاق می‌کردند. (زعفرانلو، همان، ص ۱۸۷) احتمال می‌رود که گذاردن نام «دارالفنون» تقلیدی از دارالفنون عثمانی و اساساً تأسیس آن هم به همان اسم و رسم روش کار یکی از نتیجه‌های هم‌چشمی مخصوص امیر با اولیای دولت عثمانی بوده است. (محبوبی اردکانی، ۱۳۵۴، ص ۲۵۷)

چه امیر در نتیجه مأموریت سفارت عثمانی و تحریکاتی که در آن کشور علیه او شده بود، نسبت به عثمانی‌ها کینه‌ای پیدا کرده بود که بعدها در اثر آن پیوسته مواظب و مراقب بود که جریان سیاسی ایران را همیشه با همسایگان آن مقایسه کند.

افتتاح مدرسه دارالفنون:

بعد از ورود مسیو جان داود خان به تهران، به همراهی ۷ نفر معلم استخدامی از اتریش، قرار بود که نسبت به نام نویسی ۳۰ نفر از فرزندان بزرگان در مدرسه اقدام شود. ولی به علت استقبال مردم در روزهای اول تأسیس و کارآمدن، این تعداد به ۶۰ نفر رسید و به همین تعداد دانش آموز به مدرسه معرفی شدند. سرانجام، در اول ماه صفر ۱۲۶۸ ه. ق. مدرسه افتتاح گردید و ناصرالدین شاه در پنجم همین ماه برای بازدید از مدرسه به آنجا رفت. افتتاح رسمی مدرسه در روز یکشنبه ۵ ربیع الاول ۱۲۶۸ ه. ق. - ۲۹ دسامبر ۱۸۵۱ م - بود. دانش آموزان از قبل توسط محمدعلی‌خان، وزیر خارجه و رئیس دارالفنون وقت به شاه معرفی شدند و پس از آن در مدرسه جشن بزرگی به مناسبت افتتاح مدرسه برگزار گردید. (هاشمیان، همان، ص ۱۲۲)

وقایع اتفاقیه راجع به بازدید ناصرالدین شاه از دارالفنون و افتتاح آنجا می‌نویسد: «به نفس نفیس همایون برای تماشا و مشاهده وضع و طور مدرسه مزبوره تشریف فرما شدند. جناب مقرب‌الخاقان میرزا محمد علی خان - وزیر دول خارجه - و عالیجاه مقرب‌الخاقان عزیزخان آجودان‌باشی و بعضی دیگر از اعیان دربار همایون که شرفیاب حضور مبارک بودند، هریک را به مناسبت شغل و شأن خود به خطابات و فرمایشات ملوکانه متعلق بر انتظام عمل مدرسه و تعلیمات آنجا سرافرز فرمودند...»

سازمان اداری دارالفنون:

سازمان دارالفنون به عنوان نخستین مدرسه جدید دولتی ایران به شرح زیر بود:

سرپرستی و ریاست: در آغاز چون معلمان اروپایی در دارالفنون تدریس می‌کردند و سر و کار مأمورین اروپایی علی‌الرسم با وزیر امور خارجه بود. سرپرستی مدرسه نیز به عهده میرزا محمدعلی‌خان شیرازی - وزیر دول خارجه - محول شد. چنانچه در روز افتتاح، وزیر خارجه مأمور معرفی اشخاص بود. محمد محیط طباطبایی در کتاب دارالفنون و امیرکبیر می‌نویسد: «مأموری که معلمان را استخدام کرده و به همراه خود آورده بود، یکی از کارمندان وزارت امور خارجه بود که معلمان را استخدام کرده و به همراه خود آورده بود، یکی از کارمندان وزارت امور خارجه بود که در مأموریت ارض‌روم با امیر آشنایی یافته و قرار معلمان را در وینه به نام وزارت خارجه گذارده بود. از این رو دارالفنون در آغاز امر جزو حوزه مسئولیت وزیر خارجه قرار داشت و افتتاح مدرسه و ثبت اسامی داوطلبان بوسیله محمدعلی‌خان شیرازی صورت گرفت...» (زعفرانلو، همان، ۱۹۰) اما چندی بعد با توجه به اینکه جنبه نظامی مدرسه بر دیگر جنبه‌های آن برتری داشت به اعتبار سنخ کار مدرسه، اداره آن به عزیز خان مکری آجودان باشی کل نظام واگذار گردید و عبدالحسین خان فرزند علینقی خان آجودان از جانب او در اداره مدرسه نیابت داشت. بعد از عزیزخان، میرزا محمدخان امیر تومانی به ریاست مدرسه منصوب شد. (اعتماد السلطنه، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۸۱). پس از او علیقلی میرزای اعتضاد السلطنه فرزند فتعلی شاه پس از او رضا قلی‌خان هدایت و پس از او پسر علی قلی خان مخبر الدوله و در اواخر سلطنت ناصرالدین شاه هم جعفر قلی خان مخبرالملک برادر مخبرالدوله به ریاست تعیین

شد. (هدایت، ۱۳۴۴، ص ۷۵)

اعضای اداری مدرسه به جز رئیس و ناظم عبارت بودند از: کتابدار، آجودان، مباشر، مستوفی، ناظر، روزنامه‌نویس، مؤذن، و عده‌ای قراول و فراش. از طرف دولت به عموم محصلین موجب و لباس و ناهار داده می‌شد. (محبوبی اردکانی، ۱۳۵۴، ص ۲۶۵) مباشر و مستوفی مدرسه در آغاز کار میرزا یوسف لشکر نویس از مستوفیان نظام بود که سال‌ها در این سمت خدمت می‌کرد. برای ارتباط با معلمین اروپایی که زبان فارسی نمی‌دانستند عده‌ای به عنوان مترجم در مدرسه حضور داشتند.

تشکیلات سازمانی دارالفنون:

۱- تعطیلات مدرسه: علاوه بر تعطیلات رسمی مدرسه در ماه رمضان که گاهی به ۳۴ روز می‌رسید (یعنی، از ۲۸ شعبان تا ۲ شوال) و دهه عاشورا نیز برای عزاداری در آن به مدت ۱۵ تا ۱۸ روز تعطیل بود. ضمن آنکه، این موضوع در زمان عید نوروز به ۱۵ روز می‌رسید. همچنین، تعطیلات تابستانی مدرسه به مدت ۴۰ روز بود.

لرد کرزن^۴ که در سال‌های پایانی سلطنت ناصرالدین شاه به تهران آمد، درباره زمان تعطیلی مدرسه دارالفنون چنین می‌نویسد:

در عید نوروز مدرسه ۱۷ روز بسته است. در ماه رمضان ۳۲ روز، در محرم ۱۵ روز و در تابستان ۶۰ روز به این ترتیب مدرسه شش ماه بیشتر برای تحصیل آمادگی ندارد. دانش‌آموزانی که در ابتدای سال تحصیلی حاضر نبودند، به وسیله تلگراف از شهرستان‌ها و آنان که در شمیرانات جهت بیلاق رفته بودند، توسط فراشان فرا خوانده می‌شدند.

تدریس در مدرسه صبح‌ها و بعد از ظهرها انجام می‌گرفت. چون بعضی از شاگردان بنا به دلایل مختلفی به طور منظم، سر کلاس‌های خود حاضر نمی‌شدند، در سال ۱۳۰۴ ه.ق نیرالملک - رئیس دارالفنون - تصمیم به قبول شاگردانی گرفت که به طور منظم در کلاس‌ها حاضر شده و دوره کامل مدرسه را طی کنند. وی این پیشنهاد را به موجب اعلامیه‌ای چاپ و منتشر ساخت و آن را به اطلاع اولیای دانش‌آموزان رسانید. (هاشمیان، همان، ص ۹۶)

۲- زمان کار مدرسه: مدرسه از ساعت ۸ صبح تا ۳ بعد از ظهر باز بود. درس‌های روزانه در سه قسمت دروس صبح، قبل از ظهر و بعد از ظهر تدریس می‌شدند. دانش‌آموزان نهار را در مدرسه می‌خوردند که به رایگان، از طرف مدرسه به آنها داده می‌شد. این نهار عبارت بود از یک مجموعه چلور خورشت، نان و پنیر و سبزی و یک کاسه آش، آبگوشت و یا دوغ. (هاشمیان، همان، ص ۹۷)

۳- هزینه‌های دارالفنون: پیش از تشکیل وزارت علوم، هزینه‌های مدرسه به علت حاکم بودن فکر نظامی بر آن در زمره بودجه و هزینه‌های نظامی بود. اما بعد از تشکیل وزارت علوم که تلگراف و معادن هم جزء آن بود، مالیات ملایر و تویسرکان برای برنامه‌های آن وزارتخانه تخصص یافت. در تشکیلات مملکتی نیز حکومت این دو ولایت بر عهده وزیر علوم بود. وی از طرف خود یکی از

مقدمه‌ای بر معرفی دارالفنون و اقدامات امیرکبیر... / سیدمحمی‌الدین خلخالی - سعید تقدیری

اعضای مدرسه دارالفنون را برای این کار معین می‌کرد. مالیات گرفته شده از ملایر و توپسرکان در سال ۱۳۰۳ ه.ق برابر ۵۰/۷۷۰ تومان و ۸ قران و ۵۲۵ دینار بوده است. به علاوه، ۶/۰۷۰ خروار؛ ۳۰ من گندم و ۸۷۰ خروار جو که بر اساس نرخ این زمان بر ۳۰ تا ۴۰ هزار تومان می‌رسید. این مبلغ بین مدرسه دارالفنون، شعبه تلگراف و مصارف حکومت محل و... تقسیم می‌شد.

لرد کرزن که در سال ۱۳۰۷ ه.ق از مدرسه بازدید کرد، در کتابش می‌نویسد که بودجه سالیانه دارالفنون ۳۰۰/۰۰۰ ریال می‌باشد. در سال ۱۳۰۹ ه.ق. وضع بودجه مدرسه به علت ناچیز بودن خزانه دولت با مشکل مواجه شد. به طوری که حقوق معلمین و کارمندان آن پرداخت نگردید اما در اثر اعتراض آنها از قرار تومانی، چهارو نیم ریال به آنها داده شد. به علاوه، به علت کمبود بودجه، مقرری دانش آموزان از سال ۱۲۷۶ ه.ق پرداخت نگردیده بود. (هاشمیان، همان، ص ۹۷)

در میان اسناد کتابخانه مجلس شورای اسلامی، سندی است مربوط به بودجه سال ۱۳۰۲ دارالفنون که ارقام به صورت ماهیانه نوشته شده است:

۱	رئیس مدرسه	۲۰۰ تومان
۲	ناظم	۱۱۰ تومان
۳	آجودان و معلم ریاضیات	۷۰ تومان
۴	نقاش‌باشی و معلم زبان فرانسه	۱۰۰ تومان
۵	معلم زبان فرانسه	۱۰۰ تومان
۶	معلم علوم شیمیایی	۸۰ تومان
۷	معلم فقه و عربی	۷۰ تومان
۸	معلم نقاشی کلیه کلاس‌ها	۶۰ تومان
۹	معلم زبان روسی	۴۰ تومان
۱۰	معلم تاریخ عالم	۱۲۵ تومان
۱۱	معلم ریاضیات عالی	۷۰ تومان
۱۲	معلم ادبیات عالی فارسی	۹۰ تومان
۱۳	معلم ریاضیات عالی	۱۴۰ تومان
۱۴	معلم تاریخ طبیعی و دفتردار مدرسه	۸۵ تومان
۱۵	معلم شیمی و معادن لابراتوار	۳۵ تومان
۱۶	معلم عربی و فقه مقدماتی	۶۰ تومان
۱۷	معلم جغرافی و ریاضیات	۶۵ تومان
۱۸	معلم علوم فیزیک	۴۰ تومان
۱۹	معلم زبان انگلیسی	۵۰ تومان

۲۰	معلم ادبیات و زبان فرانسه	۶۰ تومان
۲۱	معلم ژیمناستیک	۵۵ تومان
۲۲	معلم تاریخ طبیعی مقدماتی	۴۰ تومان
۲۳	معلم فارسی و عربی مقدماتی	۴۰ تومان
۲۴	معلم خط کلاس‌های عالی	۱۵ تومان
۲۵	معلم حسن خط کلاس‌های مقدماتی	۱۵ تومان
۲۶	معلم حقوق کلاس‌های عالی	۵۰ تومان
۲۷	معلم تاریخ و زبان فرانسه	۳۰ تومان
۲۸	معلم علوم مهندسی و ریاضیات عالی	۸۵ تومان
۲۹	مستخدمین مدرسه	۷ نفر از قرار هریک ۱۸ تومان: ۱۲۶ تومان
۳۰	ساعت‌ساز	۵ تومان
۱	اعتبار سوخت به طور شهریه	۵۰ تومان
۲	اعتبار کتابخانه مخصوص مدرسه به طور شهریه	۲۵ تومان
۳	آبدارخانه مدرسه	۲۵ تومان
۴	مخارج لابراتوارها	۱۰ تومان
۵	مخارج مسجد مدرسه دارالفنون	۱۰ تومان
۶	مخارج تعمیر اثاثیه	۱۰ تومان
۷	اعتبار کلاس شعبه ادبی	۱۲۰ تومان
۸	مخارج متفرقه	۲۰ تومان

قسمت جمع حقوق ۳۰ نمره ۲۱۱۱

قسمت جمع مخارج ۸ نمره ۲۷۰

۲۳۸۱

۴- **مقرری محصلان:** گاهی در طول سال‌های تحصیلی به دانش آموزان و دانش‌جویان مدرسه مقرری پرداخت می‌گردید. (اعتمادالسلطنه، همان، ص ۸۱) اما همان طوری که گفته شد این امتیاز از سال ۱۲۷۶ ه.ق قطع گردید. دانش آموزان هر رشته دارای لباس (یونیفرم) مخصوصی بودند که بیانگر رشته تحصیلی آنها بود. این لباسها توسط خیاط مدرسه سالی دو بار برای زمستان و تابستان دانش‌جویان اندازه گیری می‌شد و بعد از دوختن برای پخش بین آنها به دفتر مدرسه تحویل داده می‌شد. نوع این لباس برای تابستان از نوع خارا (نوعی پارچه سبک) و برای لباس زمستانی از جنس ماهوت بود.

این لباس‌ها به رایگان، به دانش آموزان رشته‌های مختلف داده می‌شد. (روزنامه وقایع اتفاقیه، ۹ ربیع الاول ۱۲۶۸، ش ۴۸، ص ۴). ضمن آن که، آنها نهار را در مدرسه می‌خوردند و هزینه‌های تهیه غذا هم

جزء بودجه مدرسه بود.

۵- نظام انضباطی دارالفنون: نظام انضباطی دارالفنون به گونه‌ای بود که با شاگردان مدرسه بنا به نوع چگونگی خطای آنها برخورد می‌شد. اگر از آنها خطایی جزئی سر می‌زد، معلمین خود با خط کش یا چوب به آنان کف دستی زده و اگر خطای بزرگتری را انجام می‌دادند، ضمن معرفی به ناظم مدرسه، وی نسبت به تعیین سطح مجازات اقدام می‌کرد. گاهی با دادن یک تفنگ سنگین به دست شاگردی، وی را وادار به نگهداشتن آن بر روی دستان خود کرده و زمانی هم توسط فراشان مدرسه به پشت دانش آموزی شلاق زده می‌شد و بالاخره، در درجات شدیدتر، چوب و فلک برای تنبیه او و سایرین به کار می‌رفت. به این ترتیب که، پای دانش آموز را با ریسمانی بسته و فراش باشی با ترکه به کف آن می‌زد و با وارد ساختن ضربه‌های فراوان که تعداد آنها از طرف ناظم مدرسه تعیین می‌شد، شاگرد خطاکار را تنبیه می‌نمودند.

امیران و شاهزادگان قاجار بودند، وجود داشت. این شاهزادگان در اتاق‌های مخصوصی به تحصیل می‌پرداختند. میرزا محمود خان احتشام السلطنه پسر علاءالدوله امیر نظام قاجار در کتاب خاطرات خود در این باره می‌نویسد:

... من یک اطاق در مدرسه داشتم که مرحوم ابوالنصر میرزا حسام السلطنه و شاهزاده محمد میرزا کاشف السلطنه و مدتی هم خازن الملک - برادر زن محمود خان احتشام السلطنه - به آنجا می‌آمدند. (احتشام السلطنه، ۱۳۶۷، ص ۲۶)

عزیزالسلطان (ملجیک) از جمله کسانی بود که از اتاق و معلمین خصوصی برخوردار بود. وی به دلخواه خود به مدرسه می‌آمد و همان طور که گفته شد سبب دردسر فراوان برای مدرسه و اعضای آن بود. هم چنین، در دارالفنون کلاسی از نوکر بچه‌های عزیزالسلطان که بیش از ۶۷ نفر بودند، تشکیل می‌شد. این کلاس به وی تعلق داشت و به نام «طبقه موزیک» معروف بود. (بامداد، ۱۳۴۷-۱۳۵۱، ج ۳، ص ۳۵).

شیوه آموزشی دارالفنون:

دروس علمی مدرسه در ابتدا به صورت تئوری و نظری بود اما پس از یک سال شاگردان طب و جراحی را به مریضخانه می‌بردند و به صورت علمی و بالینی آموزش می‌دادند. (مرجانی، همان، ص ۱۰۵) اولین آموزش بالینی آنها در آوردن سنگ مثانه بود که به وسیله دکتر پولاک و حکیم روسی عمل شد. در سال ۱۲۷۲ ق موسیو فوکتی معلم فیزیک و شیمی و دواسازی به همراه فرخ خان امین الملک به فرنگستان رفت و وسایل یک آزمایشگاه مناسب با کار خود را آورد و از آن تاریخ محصلین در آزمایشگاه نیز کار می‌کردند. (محبوبی اردکانی، ۱۳۵۰، ص ۱۶) علاوه بر این شاگردان مهندسی نیز برای کارهای عملی به ارتفاعات گوناگون می‌رفتند و به صورت عملی به آموزش می‌پرداختند. شاگردان هر یک از رشته‌های گوناگون در مدرسه یا بیرون از آن به کارهای عملی می‌پرداختند. (محبوبی اردکانی، ۱۳۵۴، ص ۲۶۹) در حقیقت در مدرسه دارالفنون به تدریج تا حدود زیادی علم را به عمل نزدیک کردند به طوری که در کلاس جغرافیا شاگردان نقشه ناظم برای درس را خود با دست روی تخته سیاه می‌کشیدند. در ساختن راه‌ها با مهندس کاستگر

اتریشی که در خدمت دولت ایران بود همکاری می‌کردند. در زمان تحصیل در مدرسه آنها که در رشته‌های مربوط به نظام بودند، در میدان مشق به تعلیم سربازان می‌پرداختند و با صاحب‌منصبان اروپائی همکاری داشتند و مهم‌تر از همه آنکه در زمان جنگ به جبهه جنگ هرات و فارس و خوزستان فرستاده شدند و در حدود مقتضیات، علم و عمل را توأم داشتند برای نمونه در موقع حمله به هرات و جنگ جنوب «عده‌ای از قسمت مهندسی، توپخانه، سواره، پیاده و طب با لشکر همراه بودند». (قاسمی‌پویا، ۱۳۷۷، ص ۴۹۷) از دیگر کارهای عملی دانش آموزان این بود که در ماه صفر ۱۲۷۵ ق چهار تن از شاگردان مدرسه که در علم هندسه و مساحت از شاگردان موسیو کرشیش (کرزیر) معلم دارالفنون بودند به دستور اعتضاد السلطنه علی قلی میرزا مأمور شدند تا ارتفاع قصر شاه را در نیاوران از سطح تهران و بعد از آن ارتفاع کوه دماوند و بعضی جاهای دیگر را مشخص نمایند و آنان نیز وظیفه خود را انجام و گزارش آن را به اعتضاد السلطنه دادند. علاوه بر این، سه تن از شاگردان دیگر مدرسه دارالفنون در همان سال به تعیین ارتفاع کوه البرز رفتند و در مدت ده روز ارتفاع آن را مشخص نمودند. به علاوه در همان سال دو تن دیگر از شاگردان مدرسه به راهنمایی موسیو کرشیش معلم توپخانه در ظرف سه ماه نقشه تهران را کشیدند و مقرر شد که به زودی ۱۲۰۰ عدد از این نقشه را ترسیم نمایند. (قاسمی‌پویا، همان، ص ۴۹۷) بنابراین کار عملی در کنار تدریس نظری از عوامل مهم پیشرفت فارغ‌التحصیلان این مدرسه است. در خصوص شرکت دانشجویان دارالفنون، در درمان بیماران به وسیله پزشکان اروپایی معلم خود، دکتر پولاک می‌نویسد: «برای وسایل تدریس گذشته از سخنرانی‌ها و راهنمایی‌هایی که در حین عیادت بیماران در مطب به آنها می‌کردم ۱- درمانگاه ۲- بسیاری از قسمت‌های متنی را که خود ترجمه کرده بودم یا اصولاً به زبان فارسی تحریر شده بود ۳- بیمارستانی را که خود بانی آن بودم نیز مورد استفاده می‌شد. هر روز دو ساعت وقف تدریس می‌شد و پس از پایان درس بسیاری از بیماران به سراغ من می‌آمدند، من به شاگردان خود می‌آموختم که چگونه به همراه من به عیادت بیماران به شهر می‌آمدند، در جراحی‌های بزرگ دستیار من می‌شدند و بدین ترتیب به طرز بند آوردن خون و معالجه موارد دیگر آشنایی می‌یافتند. بعدها اجازه می‌دادم که جراحی‌های کوچک را در حضور من به تنهایی انجام دهند، حتی می‌توانستم گاهی به آنها اجازه دهم که عمل قطع اعضا را نیز مستقلاً برگزار کنند». (پولاک، ۱۳۶۸، ص ۲۱۱)

نظام آموزشی دارالفنون:

سن دانش آموزان به هنگام ورود به مدرسه بین ۱۴ تا ۱۶ سال بود و بعضی‌ها که نفوذ بیشتری در دستگاه سیاسی داشتند، با سنین بیشتر در مدرسه به تحصیل مشغول می‌شدند. (مثل رضا قلی خان هدایت، امیرالشعرا که به هنگام شروع و ابتدا مدرسه سمت ناظمی مدرسه را عهده داشت و دو پسر خود را علی قلی خان (مخبرالدوله بعدی) و میرزا جعفرقلی خان (نیرالملک آتی) و نیز دو برادر زن خود، رضا قلی خان و نجف قلی خان را برای تحصیل در مدرسه نام نویسی کرد. علی قلی خان هدایت «مخبرالدوله» نیز در زمان ورود به مدرسه دارای همسر و فرزند بود.)

با وجود این، بیشتر شاگردان آن از خانواده‌های اعیان و اشراف و درباریان آن زمان بودند و مسأله بزرگ در مرحله سطح سواد داشتن آموزان و معلومات آنها بود که در ابتدا، همگی در یک کلاس تدریس می‌شدند و بعدها، به علت اختلاف سواد و فهم شاگردان کلاس‌ها به مراتب مختلف تقسیم شدند. معلمین خارجی و ایرانی^۷ توسط مترجمین خود به دانش آموزان کلاس‌های اول درس می‌دادند و شاگردانی که درسشان خوب بود و به نام خلیفه (دستیار معلم) درس نامیده می‌شدند، به همراه مترجمین یاد شده به کلاس دوم و سوم آنها درس می‌دادند.^۸

دانش آموزان بعد از چهار سال تحصیل در مدرسه جای خود را به شاگردان جدید می‌دادند. کسانی که به هنگام ورود و یا بعد از مدتی تحصیل در مدرسه استعداد و سواد بیشتری داشتند، می‌توانستند مدت دوره (چهار سال) را زودتر طی کنند به علاوه، در مدت یک سال درس در مدرسه سه نوبت امتحان به عمل می‌آمد و دانش آموزانی که در امتحانات سه ماه و سالانه نجومی از عهده آنها بر می‌آمدند به کلاسی بالاتر راه پیدا می‌کردند. در ابتدای افتتاح مدرسه زمان تحصیل در آن را هفت سال تعیین کردند و بعدها، به علت کمبود معلم زمان تحصیل به پنج سال و سپس، به چهار سال تبدیل گردید. ضمن آن که، اساتید هر روز فهرست درس‌هایی که تدریس می‌کردند به دفتر مدرسه داده و روزنامه‌نگار مدرسه نیز آن را در دفتر روزنامه ثبت می‌کرد. همچنین، نام معلمین و شاگردان حاضر و غایب و ریز نمرات آنها به در آن دفتر به ثبت می‌رسید. گفتنی است که دروس مدرسه ابتدا به صورت نظری تدریس می‌شد و بعدها نیز موضوعات مربوطه به شکل عملی ارائه می‌گردید.^۹

در سال ۱۲۷۵ ه.ق به موجب دستور اعتضادالسلطنه برای نخستین بار از دانش آموزان مدرسه امتحان به عمل آمد. این امتحانات با همکاری فرهاد میرزا معتمد الدوله، میرزا جعفرخان مشیر الدوله، میرزا رضامهندس باشی و آخوند ملاعلی محمد اصفهانی صورت پذیرفت. به دانش آموزان موفق پس از پایان تحصیلاتشان گواهینامه پایان تحصیلات داده می‌شد. پس از این شاگردان، دانش آموزان جدید به مدرسه وارد می‌گردیدند. در همین رابطه، اعتضادالسلطنه بعد از به پایان رسیدن امتحانات به برخی از آنها گواهینامه قبولی می‌داد که محمد صادق خان قاجار از کلاس توپخانه برای نخستین بار توانست به آن مدرک دست یابد. وی بعدها، به لقب «امین نظام» شهرت یافت. دوره اول مدرسه با برکناری امیرکبیر و روی کار آمدن میرزا آقاخان، صدراعظم شروع گردید. پایان آن نیز همزمان با از کار افتادن میرزا آقاخان صدراعظم بود. این دوره ۷ سال به طول انجامید.

رشته‌های تحصیلی دارالفنون:

رشته‌های اصلی تعلیمات دارالفنون به نحوی که از ابتدا برنامه‌ریزی شده بود عبارت بودند از سواره نظام، مهندسی، ریاضیات، نقشه‌کشی، معدن‌شناسی، فیزیک و کیمیا، فرانگی، داروسازی، طب و تشریح و جراحی، تاریخ و جغرافیا و زبان‌های خارجی (آدمیت، همان، ص ۳۴۸) البته دکتر سیریل الگود نویسنده کتاب تاریخ پزشکی ایران، مدرسه دارالفنون را دارای هفت رشته تحصیلی به شرح ذیل می‌داند: پزشکی و

جراحی، داروسازی، معدن شناسی، سواره نظام، مهندسی پیاده نظام و توپخانه (الگود، همان، ص ۷۱۶) اما بررسی معلمین استخدامی و دروس مورد تدریس این نظر را تأیید نمی‌کند. البته آنچه نزدیک به واقعیت است این که مدرسه دارای هفت شعبه بود و پاره‌ای از مواد مزبور مشترک بودند و برای فنون نظامی نیز دستگاه تعلیماتی جداگانه‌ای در خود تشکیلات لشکری تعبیه شده بود و شعبه علوم جنگی مدرسه دارالفنون مکمل آن به شمار می‌رفت و همان مریبان قشونی، شعبه نظامی مدرسه را هم اداره می‌کردند. شاگردان هر درس و هر رشته، کلاس خاصی داشتند که به اسم همان درس خوانده می‌شد مثلاً «اطاق مهندسی» و امثال آن. در ابتدا زبان فرانسه هم جزو دروس اساسی بود ولی پس از آنکه شاگردان توانستند کم و بیش دروس معلمین اروپایی خود را بفهمند و معلمین هم اندکی به زبان فارسی آشنا شدند با زبان فارسی و عربی جزو درس‌های کمکی محسوب می‌گشت. (محبوبی اردکانی، ۱۳۵۴، صص ۲۷۱ - ۲۷۰) محصلین هر کلاس به خصوص در اوایل کار غالباً در یک طبقه بودند و بعدها به اختلاف قوه به دو یا سه مرتبه تقسیم می‌شدند و ترتیب اداره کلاس این بود که مرتبه اول را خود معلم اداره می‌کرد و مترجمین یا شاگردان برجسته به محصلین مرتبه دوم و سوم درس می‌دادند. این شاگردان برجسته را عنوان «خلیفه درس» داده بودند. از جمله کسانی که به این عنوان یاد شده‌اند یکی مرحوم ناظم الاطباء است که پس از فراغت از تحصیل مدتی خلیفه علم طب در مدرسه دارالفنون بودند و دیگری مرحوم میرزا خلیل خان اعلم الدوله ثقفی بود. (اعتماد السلطنه، همان، ج ۲، ص ۹۸)

هیأت آموزشی دارالفنون:

در آغاز کار مدرسه، معلمین عمدتاً اروپایی بودند زیرا معلمینی که امیر برای مدرسه می‌خواست در ایران وجود نداشت و به ناچار می‌بایست از خارج استخدام شوند. (اعتماد السلطنه، همان، ج ۲، ص ۲۷۱)

بنابراین از زمانی که مدرسه در دست ساختن بود امیر ژان داود (جان داود) را در ۱۲۶۶ ق برای استخدام معلم به اتریش و آلمان فرستاد. این موضوع که سمبل مبارزه امیر با استعمار انگلیس و روس بود موجب شد تا وی از استخدام معلمین انگلیسی، فرانسوی و روسی روی گردان شود. (آدمیت، همان، ص ۳۵۰) امیر از وضع کار فرانسوی‌ها و انگلیسی‌ها که به ایران آمده بودند اطلاع داشت و می‌دانست که این‌ها در درجه اول تابع سیاست دولت خود بودند نه هواخواه دولت ایران و چون این دو دولت در سیاست استعماری مصر و قوی دست بودند بسط نفوذ آنها به صلاح ایران نبود. روسیه را هم شخصاً دیده بود و می‌دانست با توجه به سابقه کدورت سیاسی بین دو کشور، بسط نفوذ سیاسی آن موجب تضعیف ایران می‌گردد. از این رو به ناچار متوجه دو کشور دیگر اروپایی یعنی اتریش و آلمان شد زیرا که این دو کشور هنوز چندان قدرت جهانگیری و سیاست استعماری در خارج از اروپا و منافع سیاسی در ایران نداشتند و از جهت پیشرفت‌های علمی نیز مشهور بودند به خصوص دولت اتریش که بعد از شکست ناپلئون و تشکیل کنگره وین شهرت بسیار یافته بود، امیر در صدد جلب معلمین از این دو کشور برآمد. (محبوبی اردکانی، ۱۳۵۴، ص ۲۵۹)

دکتر پلاک اتریشی اندیشه امیر را درست در یافته است، می‌نویسد: «امیر نظام با وجود تجربه‌های

تلخ و مخالفت سختی که نسبت به نفوذ بیگانگان داشت، یقین می‌دانست که بدون جلب معلمان خارجی مقصودش حاصل نخواهد شد». باز می‌نویسد: «نظر امیر این بود که معلمان خارجی باید از مداخله در امور سیاسی مملکت خودداری نمایند و تنها به کار تدریس پردازند به همین ملاحظه از استخدام معلم روسی و انگلیسی و فرانسوی صرف‌نظر کرد». (پولاک، همان، صص ۲۰۷ - ۲۰۵)

معلمین مدرسه دارالفنون:

الف) معلمین اروپایی مدرسه دارالفنون:

در سال‌های نخست تأسیس مدرسه علاوه بر استفاده از معلمین ایرانی از اساتید اروپایی نیز بهره گرفته می‌شد که به تدریج، بر تعداد آنها افزوده گردید. اساتید یاد شده از چندین کشور اروپایی جهت تدریس به مدرسه دارالفنون فرا خوانده شدند. فهرست معلمین خارجی مدرسه در سال‌های مزبور بدین قرار می‌باشد:

- ۱- کرزیز (Krziz) اتریشی، معلم توپخانه و حساب و هندسه و استاد تاریخ و جغرافیا.
- ۲- کلنل متراسو (Matrazzo) ایتالیایی، مربی سپاه ایران و معلم پیاده نظام و فن جنگ. تعداد شاگردان او در ابتدا ۳۰ نفر بود. وی به امراء لشکر نیز فنون جدید جنگ را می‌آموخت.
- ۳- بارون گومنز (Gumones) اتریشی، معلم پیاده نظام و مشاور امیرکبیر در اصلاح نظام.
- ۴- گراف کاراچای (Graf Karnaczay) اتریشی؛ معلم فنی جنگ و نقشه کشی.
- ۵- نمیرو (Nemiro) اتریشی، معلم سوار نظام.
- ۶- پشه (Luigi Pesce) ایتالیایی، معلم پیاده نظام و سپاه و استاد فن آرایش قشون (تاکتیک).
- ۷- زاتی (Zatti) ایتالیایی، معلم مهندسی و حساب، هندسه و ریاضیات.
- ۸- بوهرلر (Buhler) فرانسوی، معلم حساب، هندسه، جبر، مثلثات و نقشه کشی.
- ۹- کارنتای (Carnotta / Czarnoth) اتریشی؛ معلم معدن شناسی.
- ۱۰- فکتی (Focetti) ایتالیایی، معلم فیزیک، شیمی و داروسازی.
- ۱۱- دکتر پولاک (Polak) معلم طب و جراحی.
- ۱۲- ریشارد خان (Jules Richard) معلم فرانسه.
- ۱۳- دکتر شلیمر (Schlimmer) هلندی، معلم طب.
- ۱۴- کاژ رپلو (Gay Replo) معلم نقاشی.

ب) معلمین ایرانی مدرسه دارالفنون:

از جمله اساتید ایرانی دارالفنون می‌توان از افراد زیر نام برد:

- ۱- شیخ محمد صالح اصفهانی، پیشنماز مدرسه و معلم عربی و فارسی برای ۳۰ نفر شاگرد.
- ۲- میرزا احمد طبیب کاشانی، استاد طب سنتی.
- ۳- میرزا سید علی، معلم طب سنتی (وی نزد دکتر کوله و دکتر پولاک طب فرنگی آموخت).

۴- میرزا ملکم، معلم حساب، هندسه و جغرافیا برای ۱۲ شاگرد.

علاوه بر معلمین استخدام شده (روزنامه شفق سرخ، شهریور سال ۱۳۱۳، ش ۲۷۴۱، ص ۳) از اتریش توسط داود خان و یک نفر کلنل ایتالیایی، مسیو ریشارد فرانسوی که از زمان محمدشاه در ایران اقامت داشت و آشنا به زبان فارسی بود و نیز آندره خیاط اتریشی که در تهران به شغل خیاطی فرنگی می‌پرداخت در مجموع، ۱۰ نفر از اساتید اروپایی جزء هیأت معلمین خارجی مدرسه درآمدند. همان طوری که گفته شد میرزا احمد کاشانی در گروه معلمین ایرانی دارالفنون برای آموزش طب سنتی (ایرانی) و شیخ صالح برای تدریس مقدمات عربی و زبان فارسی انتخاب گردیدند. اعضای دیگر مدرسه عبارت بودند از: کتابدار، آجودان، مباشر، مستوفی، ناظر، روزنامه نویس، اذان گو، قراول و فراش‌ها. و نظر به اینکه، مدرسه دارای صورتی نظامی بود و به کلیه دانش‌آموزان حقوق و لباس داده می‌شد، از کارمندان زیاد برخوردار بود. در این بین، میرزا تقی به عنوان روزنامه نویس مدرسه و حاجی علی نیز به عنوان نظارت کننده بر کارهای وی انتخاب گردیدند.

به علاوه، سید جواد کار گفتن اذان و اقامه را بر عهده داشت. همچنین، علیقلی خان پسر رضاقلی خان که خود از دانش‌آموزان کلاس توپخانه بود، به عنوان کتابدار و آجودان مدرسه انتخاب شد و سرانجام، میرزا محرم از دیگر شاگردان مدرسه به جهت ارتباط با معلمین اروپایی برقرار گردید و به سمت مترجم آنها به کار پرداخت. در عین حال، فراشان مدرسه جزء دستگاه حاجب الدوله فراش باشی قرار داشتند. به علت عدم امکانات کافی در جذب اساتید زبان‌های ایتالیایی و آلمانی و نیز نبود مترجمین مورد نیاز، زبان فرانسه در مدرسه تدریس می‌گردید. در ابتدا، آموزش این زبان به عنوان دروس اساسی بود و بعد از پیشرفت شاگردان، درس زبان فارسی نیز بدان اضافه می‌شد.

انحطاط دارالفنون:

به طوری که قبلاً گذشت ناصرالدین شاه قاجار تا سال‌های زیادی بعد از افتتاح دارالفنون علاقه وافری به پیشرفت آن داشت. در کتاب «تاریخ پیشرفت‌های پزشکی در هفتاد سال اخیر» چنین آمده است: «قبل از سفر اول ناصرالدین شاه به فرنگ میرزا ملکم خان معلم مدرسه که لقب ناظم الملک و سمت مترجم همایون را داشت توأم با مقام سفارت مأمور لندن شد تا با دول بین راه در مورد تنظیم سفر و برنامه پذیرانی شاه مذاکره کند».

«پس از مراجعت از این مأموریت با کمک عده‌ای از رجال و شاگردان دارالفنون اقدام به تشکیل حزب مخفی فراماسیون (فراموشخانه) را نمود و در نتیجه ذهن شاه نسبت به وی و به مدرسه به کلی تیره شد و همین بدگمانی موجبات انحطاط آن را فراهم نمود و رشته طب هم به تبعیت از مدرسه دارالفنون در سال‌های قبل از مشروطیت نظیر اوضاع عمومی کشور قوس نزولی و انحطاط را طی کرد».

ولی به طور کلی باید گفت که پس از قتل ناصرالدین شاه توسط میرزا رضا کرمانی و در زمان سلطنت مظفرالدین شاه و در سال‌های قبل از مشروطیت بود که مدرسه دارالفنون به تبعیت از اوضاع عمومی و ناگوار

کشور قوس نزولی و انحطاط خود را پیموده بود و دیگر از طرف دولت چندان توجهی بدان نمی‌شد. مدرسه طب هم اصولاً داوطلب زیادی نداشت زیرا اشتغال به حرفه طبابت راه نزدیک‌تری را در پیش رو داشت. مرحوم حکیم اعظم (پرتو اعظم) که خود از شاگردان فارغ‌التحصیل آن دوران بود می‌نویسد:

«کسانی بودند که به تنهایی مدتی در مطب یکی از پزشکان معروف یا استادان حاضر شده و پس از چندی نسخه نویسی را یاد گرفته و سپس خود را پزشک و یا حتی دکتر می‌نامیدند و بدون داشتن هیچ گونه گواهینامه‌ای به طبابت مشغول می‌شدند و نگارنده چون آموزش در دارالفنون و مطب‌ها را کافی ندید در سال ۱۸۹۹ میلادی عازم فرنگ شد و پس از ده سال تکمیل آموزش‌های پزشکی به کشور بازگشت.»

در این دوران در مقابل «کلاس طبی دارالفنون» که بدان اسم نامیده می‌شد، مطب چهار نفر از پزشکان معروف تهران برای فراگرفتن طب در آن زمان برای داوطلبان این حرفه مراکز معروف و جالب توجهی بودند زیرا این مطب‌ها مکتب‌هایی برای آموزش پزشکی بودند که آنان را آسان‌تر و در مدتی به مراتب کوتاه‌تر به هدف خود که اشتغال به حرفه طبابت بود می‌رساند و چون حساب و کتاب و جواز یا پروانه پزشکی نیز در کار نبود هیچ مانعی در کار طبابت این افراد وجود نداشت.

این چهار نفر اطبای معروف آن زمان عبارت بودند از:

۱- میرزا زین‌العابدین خان مؤتمن‌الاطباء، سرسلسله خاندان مؤتمن؛

۲- میرزا ابوالحسن خان سر سلسله خاندان بهرامی؛

۳- میرزا علی اکبر خان ناظم‌الاطباء سر سلسله خاندان بهرامی؛

۴- میرزا سید حسین خان نظام‌الملک، از خانواده‌های روحانی کاشان؛

بدین طریق اغلب داوطلبان پزشکی به دلیل سهولت امر و نپرداختن هیچ گونه هزینه‌ای راه آسان‌تر را انتخاب کرده و پس از چند سال با اخذ تصدیق‌نامه‌های چاپی از یکی از اطباء فوق و یا حتی بدون آن به طبابت می‌پرداختند.

به طوری که از بعضی اسناد و اوراق به جا مانده در مدرسه معلوم می‌شود رکود کاری دارالفنون تا چند سالی ادامه داشته است و یکی از علل این رکود تعهدنامه‌ای بود که از سال ۱۳۳۴ قمری به بعد از اولیای شاگردان اخذ می‌شد که اگر پیش از اتمام دوران تحصیل، فرزندان خود را از مدرسه خارج نمایند ناگزیر باشند شهریه چندین ساله دوره تحصیلی را از قرار ماهی سه تومان بپردازند و همین امر باعث عدم استقبال مردم از دارالفنون شده بود. (هدایتی، ۱۳۸۱، صص ۴۵-۴۷)

در میان اسناد مجلس شورای اسلامی، نامه‌ای از محصلان مدرسه دارالفنون پیدا می‌شود که درباره مخارج تحصیلی دارالفنون مطالبی را نوشته‌اند:

۱- ساحت مقدس مجلس شورای ملی شیدالله ارکانه

۱۴ مهرماه ۱۳۰۶

با استحضار کاملی که از فقر و فلاکت اهالی ایران عموماً و طبقه محصلین خصوصاً دارند ابلاغ دیروز وزارت جلیله معارف راجع به تأدیة حقوق گزاف محصلین یک تحمیل فوق‌الطاقه و کمرشکن است و آن تهمیداتی را هم که فعلاً وزارت جلیله معارف در اجرای این تصمیم در نظر گرفته است نظیر خرج تحصیلی

است که در عوض آنکه باید به اشخاص بی‌بضاعتی داده شود درباره... [سه نقطه برای خود متن است] منظور می‌گردد. به هر حال این تصمیم وزارت جلیله معارف سد بزرگی برای ادامه تحصیلات و در واقع یک عده محصلین حسابی و مستعدی را که شاید در آتیه بتوانند به این آب و خاک خدمات شایانی بنمایند محروم می‌دارد. با مراتب فوق که محقق است جمیع آقایان نمایندگان محترم تصدیق و اذعان دارند مستعدی است عطف توجهی مخصوص به این امر فرموده و هرچه زودتر سؤال ما را اجابت فرمایند. از طرف عموم محصلین که به امضای تعدادی از محصلان دارالفنون رسیده است. (شماره بازیابی ۶/۱۰/۹/۱/۴۶ مرکز اسناد کتابخانه مجلس شورای اسلامی)

۲- ساخت مقدس مجلس شورای ملی شیداله ارکانه

در تعقیب عرایض سابق راجع به تعیین تکلیف از برای محصلین دارالفنون، محترماً معروض می‌دارد پس از ارسال عرایض اول، ما محصلین در حیاط مدرسه دارالفنون گرد یکدیگر جمع آمده و منتظر جواب از ناحیه مقدس مجلس شورای ملی بودیم. یک عده مأمورین پلیس وارد فضای مدرسه شده و به عملیات غیرمنتظره مبادرت ورزیدند ولی ما محض حفظ اصل مسلم متانت و نجابت در مقابل عملیات بی‌رویه آنان تسلیم و در صدد آن شدیم که مطالب حقه خود را ثانیاً به عرض مجلس مقدس شورای ملی رسانیده و دادخواهی کنیم؛ چنانچه در عرایض سابق اشاره رفت مدرسه دارالفنون هشتاد سال است که مجانی بوده و در ادوار سابق از طرف دولت همه قسم کمک‌های مادی و معنوی به آن مؤسسه می‌شد؛ علاوه بر آن محصلین دارالفنون اکثر از ولایات دوردست با شهریه جزئی فقط به امید مجانی بودن دارالفنون به مرکز آمده و بی‌بضاعتی آن‌ها اظهر من الشمس است.

آن تسهیلاتی را هم که فعلاً وزارت جلیله معارف در اجرای این تصمیم به ما وعده می‌دهد علاوه بر آنکه کاملاً عملی نیست، لطمه بزرگی به شرافت خانوادگی ما وارد می‌آورد و با در نظر گرفتن نکات فوق امیدواریم که به اسرع اوقات تکلیف قطعی ما محصلین را معلوم فرمائید.

نامه بدون اسم
در بالای نامه نوشته: جواب توسط آقای دشتی نماینده محترم داده شود، با آنکه امضای مسلم ندارد
تسلیم کمیسیون محترم عرایض شود. ۱۶ مهرماه ۱۳۰۶
(شماره بازیابی ۶/۱۰/۹/۱/۴۶ مرکز اسناد کتابخانه مجلس شورای اسلامی)

پی نوشت‌ها:

- ۱- میرزا رضا مهندس باشی جزو پنج دانش آموز اعزامی ایران به انگلستان در زمان ولیعهدی عباس میرزا بود.
- ۲- در بدو امر در ورودی اصلی مدرسه از طرف خیابان باب همایون باز می‌شد. در حال حاضر، درب فعلی آن در خیابان ناصرخسر قرار دارد که به عنوان در ورودی مورد استفاده قرار می‌گیرد. این بنا در سال ۱۲۹۲ ه. ق. ساخته شد.

مقدمه‌ای بر معرفی دارالفنون و اقدامات امیرکبیر... / سیدمحمی‌الدین خلخالی - سعید تقدیری

۳- از جمله تفریحات ناصر الدین شاه رفتن وی به تماشاخانه مدرسه دارالفنون و تماشای برنامه‌های آن بود. شاه در این رابطه، علاقه زیادی به دیدن برنامه‌ها و نمایش‌های اسمعیل بزاز نشان می‌داد.
Lord George. N. Curzon -4

۵- روزنامه شفق سرخ، سال ۱۳۱۳ (۱۹۳۴ م)، شماره ۲۷۴۸، ص ۵.

۶- مهدی قلی خان هدایت در کتاب خود می‌نویسد که: در امتحانات اول دوازده تومان در سال موجب داده می‌شد و در امتحانات بعدی به مواجب افزوده می‌شد.

۷- در ابتدا، غیر از آندره، خیاط اتریشی که در آن زمان از خیاطهای سرشناس تهران بود و برای طبقات بالا خیاطی می‌کرد، کس دیگری به عنوان مترجم معلمین آلمانی نبود.

۸- در ابتدا، رشته‌های اصلی دروس در مدرسه به این قرار بودند: مهندسی، دارو سازی، طب و جراحی، توپخانه، پیاده نظام، سواره نظام و مردان شناسی.

۹- قسمت‌های عملی مدرسه دارای بخش‌های متفاوتی بودند مثل کارخانه شمع سازی، (چاپخانه)، بلورسازی، ریسمان ریزی، معدن و کوره ذوب، آزمایشگاه فیزیک و شیمی، نجاری، بعضی محصولات این بخش‌ها حتی برای فروش به بازار عرضه می‌شوند. روزنامه‌ها و کتاب‌های چاپ شده در چاپخانه مدرسه علاوه بر اینکه در دسترس دانش آموزان قرار داشت، برای فروش هم در دسترس همگان قرار می‌گرفت.

۱۰- استاد دکتر سید محمد محیط طباطبائی (۱۲۸۱ - ۱۳۷۱ ش) از چهره‌های درخشان فرهنگ و ادب فارسی بود و عمر پربرکت و طولانی خود را در راه خدمت به ادب و زبان فارسی صرف کرد و آثار ارزنده‌ای از خود به جای گذاشت. وی در سال‌های ۱۳۰۲ - ۱۳۰۵ دوره ادبی را در مدرسه دارالفنون به پایان رساند و وارد مدرسه حقوق شد. مجلات آموزش و پرورش، موسیقی و محیط به سرپرستی او اداره می‌شدند. وی مدت زمانی هم به عنوان رایزن فرهنگی ایران در دهلی (۱۳۲۸ - ۱۳۳۰ ش) و عراق، سوریه و لبنان (۱۳۳۰ - ۱۳۳۴ ش) به فعالیت فرهنگی مشغول بود.

منابع:

کتاب‌ها:

۱. آدمیت، فریدون، امیرکبیر و ایران، تهران، خوارزمی، ۱۳۴۸.
۲. آوری، پیترو، تاریخ معاصر ایران، ترجمه محمد رفیعی مهرآبادی، تهران، عطایی، ۱۳۷۳.
۳. احتشام السلطنه، خاطرات احتشام السلطنه، به کوشش سید محمد مهدی موسوی، تهران، زوار، ۱۳۶۷.
۴. اقبال آشتیانی، عباس، میرزا تقی خان امیرکبیر، تهران، طوس، ۱۳۵۵.
۵. اعتماد السلطنه، محمد حسن خان، مرآت البلدان، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۶۷.
۶. اعتماد السلطنه، محمد حسن خان، تاریخ منتظم ناصری، تصحیح محمد اسماعیل رضوانی، دنیای کتاب، ۱۳۶۳.
۷. بامداد، مهدی، شرح حال رجال ایران در قرن ۱۲ - ۱۳ - ۱۴ هجری، ج ۶، تهران، زوار، ۱۳۴۷ - ۱۳۵۱.
۸. پناهی سمنانی، محمد، امیرکبیر تجلی افتخارات ملی، تهران، نمونه، ۱۳۷۶.
۹. پولاک، یاکوب ادوارد، سفرنامه پولاک، ترجمه: کیکاووس جهاندار، تهران، خوارزمی، ۱۳۶۸.

۱۰. رضوی نژاد، میرابوطالب، چهار سیاستمدار ملی و متقی نام آور ایران (امیرکبیر، میرزا کوچک خان، دهخدا، دکتر مصدق)، تهران، گوتنبرگ، ۱۳۷۷.
۱۱. روشنی زعفرانلو، قدرت اله امیرکبیر و دارالفنون، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۵۴.
۱۲. سعادت، ابراهیم تاریخ پیشرفت‌های پزشکی در هفتاد سال اخیر « ۱۳۰۰ - ۱۳۷۰ » - تهران، ابراهیم سعادت لاجوردی، ۱۳۷۰.
۱۳. سیریل الگورد، تاریخ پزشکی ایران، ترجمه: محسن جاویدان، تهران، شرکت نسبی اقبال، ۱۳۵۲.
۱۴. قاسمی، پویا، مدارس جدید در دوره قاجاریه، تهران: نشر دانشگاهی، ۱۳۷۷.
۱۵. کاشفی، محمد، قائم مقام فراهانی و امیرکبیر، تهران: انتشارات حافظ، ۱۳۷۶.
۱۶. کرزن، لرد، ایران و قضیه ایران، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۲.
۱۷. محبوبی اردکانی، حسین، تاریخ تحول دانشگاه تهران (مؤسسات عالی آموزشی ایران)، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۵۰.
۱۸. محبوبی اردکانی، حسین، تاریخ مؤسسات تمدنی جدید در ایران، ج ۱ و ج ۲، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۵۴.
۱۹. مرجانی، بهناز، بررسی عوامل مؤثر بر پیدایش مدارس فنی و حرفه‌ای در ایران از دارالفنون تا به امروز، (پایان نامه فوق لیسانس)، دانشکده علوم تربیتی، دانشگاه تهران، ۱۳۷۰.
۲۰. مکی، حسین، زندگی میرزا تقی خان امیرکبیر، تهران، ایران، ۲۵۳۵.
۲۱. نوایی، عبدالحسین، تاریخ ایران و جهان، ج ۳، تهران، نشرها، ۱۳۶۹.
۲۲. واستون، رابرت گرانت، تاریخ قاجار، ترجمه عباسقلی آذری، تهران، تعریز، ۱۳۴۰.
۲۳. وکیلان، منوچهر، تاریخ آموزش و پرورش در اسلام و ایران، تهران، پیام نور، ۱۳۷۶.
۲۴. هاشمیان، احمد (ایرج)، تحولات فرهنگی ایران در دوره قاجاریه و مدرسه دارالفنون، چاپ اول، تهران، مؤسسه جغرافیایی و کارتوگرافی سحاب، ۱۳۷۹.
۲۵. هدایت، مهدی قلی، خاطرات و خطرات، تهران، کتابفروشی زوار، ۱۳۴۴.
۲۶. هدایتی، سید جواد، تاریخ پزشکی معاصر ایران از تأسیس دارالفنون تا انقلاب اسلامی ایران، تهران، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی - درمانی ایران، ۱۳۸۱.
۲۷. یار شاطر، احسان، دانشنامه ایران و اسلام، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۴.

روزنامه:

۱. روزنامه شفق سرخ، سال ۱۳۱۳ (۱۹۳۴ م)، ش ۲۷۴۸.
۲. روزنامه وقایع اتفاقیه، ۹ ربیع الاول ۱۲۶۸، ش ۴۸.

۲۹

<p>امیرالمؤمنین علیه السلام در روز دوشنبه گذشته در آب استناده و بعد از آن در آب استناده فدا بود که در مجلس نمود و تا تخمیس و خوردن در آنجا نشاند و گوام که مقصد از آنوقت استناده شد و در هر گوام که بی اختیار این روز استناده ای سال را رسول برین ایام در دست ثانی خواهد بود عمارت پادشاهی در میان ارک و از آنجمله طهران نیز است که تعمیر شد و بعضی عمارت و غیره نیز تازه میانه زنده در آنجا عمارت است و آن قابل از نقش و کج بود و بیشتر برستون نقاشی و کتیبه داشته و بطوری خوب و با زینت و آراستگی ساخته است که این ایام عمارت هر دو را برین غرضی و صفای بود است و همچنین کارهای خوب که بطریق خاطر امیرالمؤمنین پادشاهی و شاهی دولت علیه باشد قدری طول از حقیقت درین ایام بخیر زینت آراستگی شهر طهران بسیار شده است بسیار است که چنانچه بازارها و ساحه کار و بازارها را با آنکه کرده و از آنجا ایران ایجاد و استقامت تمام داده که در حقیقت نام بشود از روزی که و از آنجمله طهران الی در هزاره جدیدی که نام بازارها را زنده خواهد بود در بسیار شهرها و در آنجا در آنجا بسیار که چنانچه مملکت شهر طهران که درین ایام است که سعادت کمال شدت را داشت بطوری که از آن جاری کردند که چنانکه است این ایام چنین آفریند در طهران با و نه دارد و آن آب معدنی بسیار درین روزها از آنکه استند از آن شهر که کتیبه در بار استناده طهران آمده است معتزب میخانه جانانده خان تا جابجا بگردد استند از آن سابعی خواهد کرد دیده اند در روز پنجشنبه گذشته که استناده عمارت صاحبان با اول</p>	<p>اولیای دولت ظاهره در استناده ای خیرانه که هر شنبه اند که در هر سید خیرت شکستنازه تمام اسباب و هزار دست فایده سربازی تمام می‌دهد و اعمال هم زیاد ساخته شده است چون محل سنجی استناده کرد و استناده استناده استناده استناده دعوی نیست لکن اولیای دولت حاضر بعضی نگاه جان معتزله بود که سالی خیرانه هزار دست برستون نقاشی در استناده و چشمه شود ضعیف فریونی در شهر شوال اردو استناده کرده و از آنجا اولیای دولت ظاهره که در شهر استناده استناده استناده و آنب معتزله الدوله فریونی برستون نقاشی در استناده استناده استناده با استناده استناده و در فرج شیرازی نیز یکبار استناده استناده استناده نظر مجلس کفایت و کار دانی عالیها میرزا احمد کبیر دیوانه که مذکور است منقول خاطر امیرالمؤمنین پادشاهی و شاهی دولت علیه است نسبت نظیر ایرانی و لقب ثانی و نقلت با و حجت فرزند و آراستناده طهران پارسال استناده دولت علیه پادشاهی که در میان ارک استناده و از آنجمله طهران تسلیم خار بسازند که معلوم استناده در آنجا نظیر نظم و آنانوقت هم شده استناده استناده استناده استناده استناده تمام شده است و چون کارش چنین است تمام کرد و شش طول از آن</p>
--	---

پیام بهارستان / ۲۵، سن، ش، ۱۸ / زمستان ۱۳۹۱

اولین خبر تأسیس دارالفنون در شماره ۲۹ وقایع التفاقیه

روزنامه وقایع اتفاقیه پنجشنبه پنجم ماه ربیع الاول ۱۲۶۱

نزهت و ششم
قیمت روزنامه
یک شمشیر
یک سالی و چهار جزا



مستطبه دارالفنون
قیمت اعلانات
یک سطر از چهار خط یک روز
بیشتر هر خط یک روز

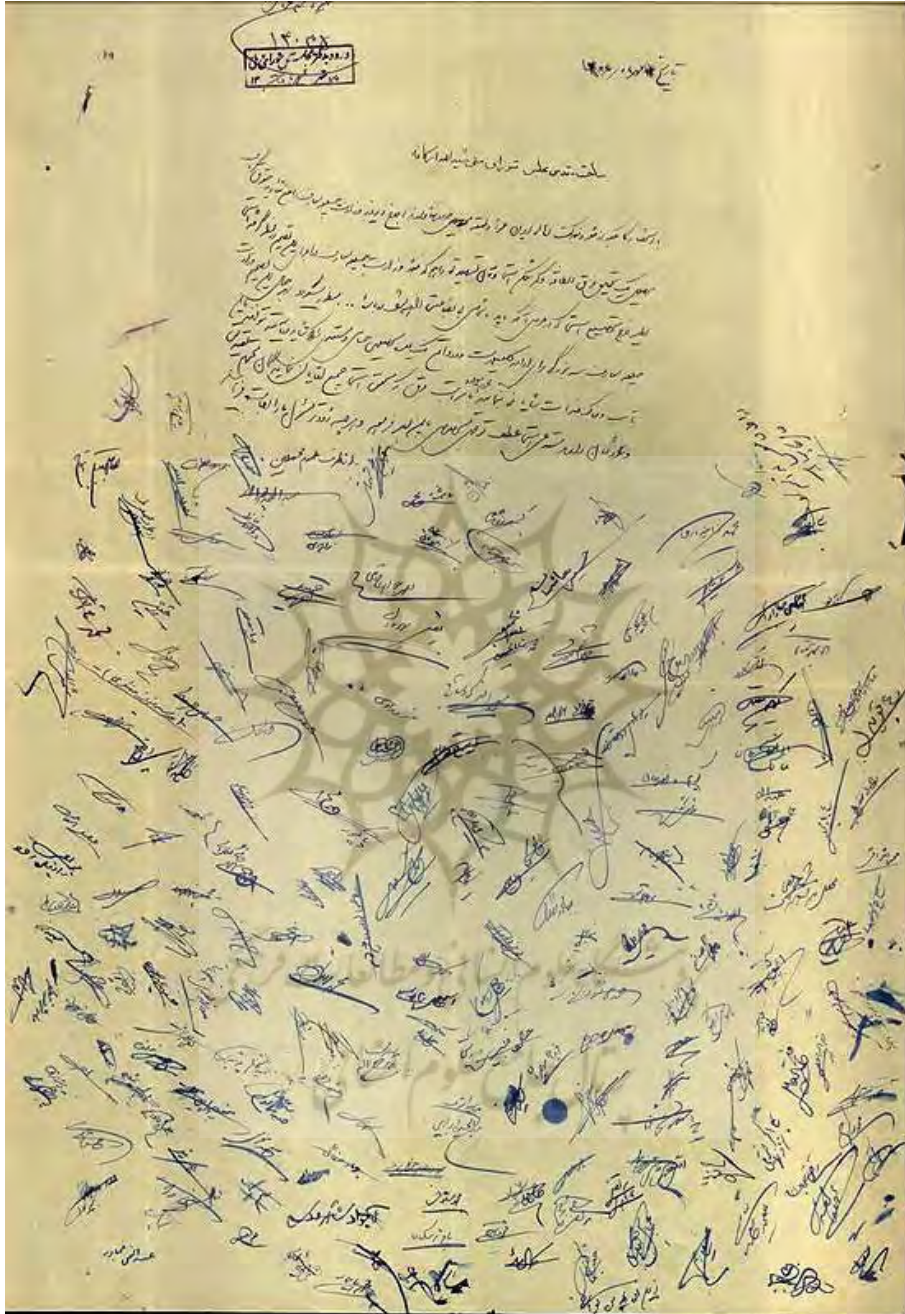
اخبار داخله مالک محروسه پادشاهی

دارالفنون	سلطانی ساخته شده و صلح‌ناوی و غیره اطفال شاهزادگان
<p>در روز یکشنبه فراموشی ماه ربیع الاول علیحضرت قوی گشت پادشاهی عیدان مشق خارج در روانه دولت که افواج قاهره از توپچی و سرباز و سواران نظام حاضر مشق شده بودند تشریف فرما گردیدند و کل میران پنج و سترسیان و سردستان در کباب مبارک بودند و چند عزا و توپ تپس و عیاره توپچیان بجهت امتحان بار و دوشان حاضر کرده بودند و چند تبر و توب و شماره از آنستند و بسیار سحر و جادو رای مبارک داده و مسبب عذر سنی توپچیان و جادویی افواج در مشق و حرکت که نسبت بسابق تفاوت کلی کرده بودند مورد انعام و بخشش و نوازشات حضرت عالی گردیدند و علیحضرت پادشاهی عید از سبب کی مشق افواج قاهره بیایخ لا ادرار تشریف برده و در آنجا صرف فرمودند و از آنجا مرکب ما بون از برای تبرج سبب حضرت عالی باروان اطراف تشریف برده و وقت عصر ببارت مبارک که ارک مستطبه مراجعت فرمودند</p>	<p>در روز یکشنبه ساخته شده و صلح‌ناوی و غیره اطفال شاهزادگان نظام و امرا و اطفال این را در آنجا تعلیم می‌نمایند و درین اوقات اصلاحی انتظام را بهم رسانده و ترقیات کلی نتیجه مشقین حاصل کرده است بطوری که در زمان آنکه کاشانک فی کس ساما کار کرده باشند مرکب در هر فوجی که تعلیم گرفت از کمال مهارت بهم رسانده اند و چون از و ما قبیل از سال سپهران میل که اول بنای مدرسه بر برده بود و تصبیل امورات متعلقه عید در روزنامه رسیده شده بود و لکن اجمالاً شطری از آن نوشته شده که اکای اجمالی حاصل کرده و درین مرتبه اگر چه هر روزش کردن بدین سبب خود حاضر شده و لکن بنای مدرسه که بنای عالی و طریقی جدیدی است بر بنیاد مهندسین و سبب بود تا تمام نرسیده بود و درین روزها با تمام سبب و در مشق علم را که هر یک محتاج بود امروگت و سبب در عین است تا چون سایر دول در آنجا تعلیم می‌دهند و بنیاد شده و غیره را که حاضر شده اند بجهت هر یک که تصبیل ذوقش کردن از اختلاف و تشایح شایر از کان نظام و آنرا در نظام رسیده است و بعضی از آنها سواجب بر فرار فرموده</p>

پیام بهارستان / ۲۵، سن، ش ۱۸ / زمستان ۱۳۹۱

خبر افتتاح دارالفنون توسط ناصرالدین شاه در روزنامه وقایع اتفاقیه

مقدمه‌ای بر معرفی دارالفنون و اقدامات امیر کبیر... / سیدمحمی‌الدین خلخالی - سعید تقدیری



پیام بهارستان / ۲۵، سه، ش ۱۸ / زمستان ۱۳۹۱

نامه جمعی از محصلان دارالفنون درباره مقری تحصیلات خود

مقدمه‌ای بر معرفی دارالفنون و اقدامات امیرکبیر... / سیدمحمی‌الدین خلخالی - سعید تقدیری

صنوع - ۱ - بودجه سالیانه مدرسه دارالفنون سال ۱۳۰۲

ردیف	شرح	مبلغ سالانه		ملاحظات
		دره	تومان	
۱۷	فصل دوم بودجه			
۱۰	کتابخانه	۲۵۰	-	
۱۱	کتابخانه	۱۱۰	-	
۱۲	امروزان و عصر، فضیلت	۷۰	-	
۱۳	تفصیلات و شرح و مبانی زبان فرانسه	۱۰۰	-	
۱۴	مبانی زبان فرانسه	۱۰۰	-	
۱۵	علوم طبیعی	۸۰	-	
۱۶	تقدیر و عربی	۷۰	-	
۱۷	تفصیلات و مبانی	۶۰	-	
۱۸	زبان روسی	۴۰	-	
۱۹	تاریخ عالم	۱۲۵	-	
۲۰	ریاضیات عالی	۷۰	-	
۲۱	ادبیات عالی فارسی	۹۰	-	
۲۲	ریاضیات عالی	۱۴۰	-	
۲۳	تاریخ طبیعی و مردم‌شناسی	۸۵	-	
۲۴	شیمی و اصول لابراتوار	۳۵	-	
۲۵	عربی و تقدیر و مبانی	۶۰	-	
۲۶	جغرافیه و ریاضیات	۶۵	-	
۲۷	علوم فزیک	۴۰	-	
۲۸	زبان انگلیسی	۵۰	-	
۲۹	ادبیات و زبان فرانسه	۶۰	-	
۳۰	تاریخ و جغرافیه	۵۵	-	
۳۱	تاریخ طبیعی و تقدیر	۴۰	-	
۳۲	فلسفه و عربی و تقدیر	۴۰	-	
۳۳	خط و کلاسهای عالی	۱۵	-	
	تقدیر (۲)	۱۸۰۰	-	

سند بودجه سالیانه مدرسه دارالفنون مربوط به سال ۱۳۰۲ (ص ۱)

مقدمه‌ای بر معرفی دارالفنون و اقدامات امیرکبیر... / سیدمحمی‌الدین خلخالی - سعید تقدیری

صم - ۲ -

ردیف	شرح	مبلغ سالیانه		ملاحظات
		درصد	تومان	
	تول درصفت ۱۱۰		۱۱۰۰ -	
۱۵	معلم حسین خط کلیدی تقدیری		۱۵ -	
۱۶	محقق کلیدی علی		۵۰ -	
۱۷	تاریخ درسی فرانسه		۳۰ -	
۱۸	علوم ابتدایی ریاضیات عالی		۱۵ -	
۱۹	کتابهای مدرسه دارالفنون در سال ۱۲۸۱		۱۲۶ -	
۲۰	باعت سازه		۵ -	
۲۱	مستند بزرگ مدرسه		۵۰ -	
۲۲	کتابخانه عمومی مدرسه دارالفنون		۲۵ -	
۲۳	امور خانه مدرسه		۲۵ -	
۲۴	مخرج کارخانه دارالفنون		۱۰ -	
۲۵	سبک مدرسه دارالفنون		۱۰ -	
۲۶	تعمیرات مدرسه		۱۰ -	
۲۷	مستند مدرسه دارالفنون		۱۲۰ -	
۲۸	مخرج متفرقه		۲۰ -	
			۲۳۸۱ - ۲۱۵۷۲	
			۲۳۸۱ - ۲۱۵۷۲	

قیمت بجمع ۳۰ تومان ۲۱۱۱۱
 ۲۷۵۵۱
 ۲۳۸۱

مجموع ۱۳۰۲

پیام بهارستان / ۳۵، ش ۱۸ / زمستان ۱۳۹۱

سند بودجه سالیانه مدرسه دارالفنون مربوط به سال ۱۳۰۲ (ص ۲)

اداره کل بازرسی
شماره ۱۴۹۵
تاریخ ۲۲ اردیبهشت ۱۳۰۹
ضمیمه ۱
محرمانه

در موقع تهیه پاسخ به عروف
میزه نیز اشاره فرمایید

وزارت فرهنگ
۱۴۹۵
۱۴

نیابت ریاست محترم مجلس سنا

محترم اعطف بمرقمه شماره ۲۵۹۵-۱۷/۸/۳۹ و بکبرگ ضمیمه آن چون آقای مهدوی عضو انجمن همکاران خانه و مد رسه دبیرستان دارالفنون تمییز شد و نشانی خود را نیز در نامه مزبور تعیین نکرد ما ست شناخته نشد بنا بر این خواهشمند است مقرر فرمایند در صورتیکه نشانی مشارالیه در دفتر مجلس سنا معلوم است بنا میرد ما خطا نمایند که در اداره بازرسی وزارت فرهنگ حاضر شد و نسبت بشکایت خود با ارائه لایل توضیحات بیشتری بدهند تا مورد رسیدگی قرار گیرد - ت

از طرف وزیر فرهنگ
۱۴۹۵
۱۴

دانشمندان مجلس سنا
شماره ۳۸
تاریخ ۱۹/۸/۱۳۰۹

پیام بهارستان / ۲۵، سه، ش ۱۸ / زمستان ۱۳۰۹

جوابیه وزارت فرهنگ درباره نامه انجمن محلی خیابان ناصر خسرو



پیام بهارستان / ۲۵، ش ۱۸ / زمستان ۱۳۹۱

نامه‌ای از طرف انجمن محلی ناصر خسرو درباره اوضاع نابه سامان دارالفنون

مقدمه‌ای بر معرفی دارالفنون و اقدامات امیرکبیر... / سیدمحمی‌الدین خلخالی - سعید تقدیری

جمعی از فارغ التحصیلان دارالفنون



پیام بهارستان / ۲۵، س ۵، ش ۱۸ / زمستان ۱۳۹۱